

پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی

علمی - پژوهشی

شماره ۳

هزار و سیصد و نود و سه - تیمسال اول

• اصل رفتار و قاعده‌های آن در حقوق جنایی: یا رویکردی تطبیقی به حقوق ایران و انگلستان ۵

مهرداد رایجیان اصلی

• سازوکارهای حقوق کیفری ایران در زمینه اعمال حق دادخواهی کودکان بزه‌دیده ۲۹

امیرحوزه زینالی

• ارکان معاونت در الم ۵۲

قاسم محمدی - احسان عباس زاده امیرآبادی

• شباهت‌ها و تفاوت‌های تفسیر در حقوق جنایی ماهوی و شکلی ۷۵

علی تتجاسی

• ارزیابی ضمانت اجرای کیفری نسبت به اشخاص حقوقی ۹۷

محسن کتریفی - محمدجفر حبیب‌زاده - محمد فرجیها

• جرم سیاسی و تقسیم‌بندی حد - تعزیر ۱۲۳

رحیم نویهار



پژوهش‌کده حقوق



http://jclc.sdil.ac.ir/article_42911.html

ارزیابی ضمانت اجراهای کیفری نسبت به اشخاص حقوقی

(تحلیل ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱)^۱

محسن شریفی*

محمدجعفر حبیبزاده**

محمد فرجیها***

چکیده:

عدم تکافوی ضمانت اجراهای مدنی و انتظامی در مهار خطرآفرینی‌های قدرتهای مدرنی چون اشخاص حقوقی، سرانجام نظام حقوقی ایران را بر آن داشت تا فراسوی قوانین موردی و پراکنده، مسؤلیت کیفری اشخاص مزبور را به‌عنوان یک قاعده در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ (ماده ۱۴۳) مورد پذیرش قرار دهد. بدیهی است، اثربخشی این رویکرد در گروی جامعیت ضمانت اجراهای متناسب با رفتار مجرمانه اشخاص حقوقی است. از این‌رو، باید دید ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده - انحلال، مصادره اموال، ممنوعیت از فعالیت شغلی یا اجتماعی افزایش سرمایه، ممنوعیت صدور برخی اسناد تجارتي، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت (ماده ۲۰) - تا چه میزان با طبع و ماهیت اشخاص حقوقی هم‌سنگ است؟ آیا تنوع واکنش‌های مزبور آن‌چنان است که از عهده کنترل جرایم این اشخاص برآیند؟ آیا از رهگذر این سنخ ضمانت اجراها، هدف‌های مجازات، به‌ویژه بازدارندگی، اصلاح و جبران زیان‌های بزده‌یده تأمین می‌شود؟ همچنین، آیا به اعتبار گونه‌های اشخاص حقوقی - از حیث عمومی یا خصوصی بودن - میان ضمانت اجراهای مورد نظر تفکیک وجود دارد؟ حسب فرضیه‌های این نوشتار: ضمانت اجراهای در نظر گرفته شده، متناسب با ماهیت اشخاص حقوقی است، اما تنوع آنها نسبی است. تأمین هدف‌های اصلاحی مجازات و حمایت از بزده‌یده محتمل‌تر از سایر هدف‌هاست. همچنین، به‌رغم تفکیک میان اشخاص حقوقی، بین ضمانت اجراها تفکیک و تمایزی انجام نگرفته است.

کلیدواژه‌ها:

اشخاص حقوقی، هدف‌های مجازات، تنوع ضمانت اجراهای کیفری، تناسب ضمانت اجراهای کیفری.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۳، نیمسال اول ۱۳۹۳
صفحه ۹۷-۱۳۳، تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۱۱/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۱۸

۱. این مقاله، مستخرج از رساله دکترا با عنوان «مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان» است که با راهنمایی محمدجعفر حبیبزاده و مشاوره محمد فرجیها در دانشگاه تربیت مدرس تدوین و دفاع شده است.

* دانش‌آموخته دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیأت علمی مؤسسه آموزش عالی طبرستان.

Email: mohsen.sharifi181@gmail.com

Email: Habibzam@modares.ac.ir

** استاد دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.

*** استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.

درآمد

امکان یا عدم امکان تأمین هدف‌های مجازات یکی از مهم‌ترین چالش‌های فکری میان موافقان و مخالفان جواز مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به شمار می‌رود. از جمله هدف‌هایی که به زعم مخالفان، تحقق آن در حق اشخاص حقوقی غیرممکن می‌نماید، هدف سزاگرایی^۱ یا غیرپیامدگرایی^۲ است. هدفی که نه بر پایه فایده اجتماعی مجازات، بلکه بر مبنای استحقاق مجرم بر تحمل عقوبت تأمین می‌شود. به این ترتیب، سزاگرایان نگاهی واپس‌گرا به جرم و اثر کیفر دارند و غیر از نفس عمل نابهنجار و استحقاق مرتکب به تحمل تبعات کیفری، به واقعیت دیگری وقعی نمی‌نهند. آنها بر این گمان‌اند که بدی را با بدی پاسخ دادن، نه تنها واکنشی غیراخلاقی نیست، بلکه از تقابل این دو، یک اثر خوب - نظم و آرامش - نیز عاید می‌شود.^۳ به این سان، سزاگرایی بر آموزه عدالت مطلق تکیه دارد؛ آموزه‌ای که پایه‌های آن را اندیشمندانی چون امانوئل کانت^۴ بنا نهادند که از نظرگاه‌شان، کیفر مجرم که از احساس نیاز جامعه به اجرای عدالت نشأت می‌گیرد، ارزش ذاتی دارد و مصلحت اجتماعی در اجرای آن نقشی ایفا نمی‌کند.^۵ صرف‌نظر از اینکه امروزه، سزاگرایی کارکرد سابق خود را از دست داده‌است،^۶ تأثیر آن بر اشخاص حقوقی با این استدلال که نه روحی برای تقبیح شدن دارند و نه جسمی برای طرد شدن، مورد انکار برخی قرار گرفته است. از دید آنها مفاهیمی چون مکافات و سزادهی در مورد موجودهای واجد احساس و صاحب اختیاری به نام انسان کاربرد دارد، نه اشخاص حقوقی که عاری از این خصیصه‌ها بوده و فقط به حکم ضرورت و به جهت تسهیل امور اعتبار شخصیت نموده‌اند.^۷ در مقابل، مدافعان تحقق این هدف معتقدند که انقلاب صنعتی و فرایند خصوصی‌سازی نقش اشخاص حقوقی در زوایای گوناگون زندگی بشری را چندان پُر رنگ کرده است که دیگر نمی‌توان آنها را موجوداتی فرضی انگاشت و در قبال زیان‌ها و فجایعی که از خود به بار می‌آورند، مستحق سرزنش ندانست. در نتیجه، ضروری است حقوق کیفری با واقع‌گرایی، اشخاص حقوقی را به اعتبار شیوه مدیریت و فرهنگ سازمانی به جرگه تابعان خود

1. Retributivism

2. Non - consequentialism

۳. علی صفاری، توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی (تهران: جنگل، ۱۳۹۱)، ۳۶۹.

4. Emmanuel kant

۵. کریستین لازرژ، درآمدی بر سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی برنآبادی (تهران، نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۵۹.

۶ با این همه، هدف مزبور هنوز یکی از کارکردهای مجازات محسوب شده و در قالب مجازات‌های استحقاقی مورد توجه قرار می‌گیرد و نیز ر.ک: علی حسین نجفی ابرنآبادی، و حمید هاشم‌بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی (تهران: کتابخانه گنج دانش، ۱۳۹۰)، ۷۱۵-۷۵۰.

7. Jonatha Clough, The Prosecution of corporations, Thesis, phd (Monash univtrsy, 2004), 216.

ملحق کند و در برابر جرایم ناشی از فعالیت، به طور مستقیم، خود آنها را مخاطب قرار دهد.^۱ توجیه دیگر مجازات، هدف بازدارندگی است که به اعتبار پیامدگرایی، مورد اهتمام قرار گرفته است. بازدارندگی به عنوان یک استراتژی اجبار محور، به کارگیری بالقوه یا بالفعل زور برای اعمال نفوذ بر رفتار مجرمان مخیر را در دستور کار خود قرار می‌دهد.^۲ در مفهوم وسیع، بازدارندگی جنایی مربوط به اصل پیشگیری از جرم است. یعنی توسل به هر نوع ابزاری که برای تحقق این اصل مفید باشد؛ اما در معنای مضیق، بازدارندگی از طریق تهدید افراد به پیامدهای ارتکاب جرم - بازداشت، محاکمه، محکومیت و مجازات - و انصراف آنها از قبول ریسک ارتکاب جرم حاصل می‌شود.^۳ طرفداران هدف ارعاب - بازدارندگی بر این باورند که محاسبه قاصد جرم، متعاقب کنترل بیرونی - تهدید کیفری - درهم شکسته و او را از اجرای تصمیم خود منصرف می‌گرداند. چه، انسان ذاتاً موجودی مقتصد و حسابگر است و در صورت غلبه مضار جرم بر منافع قابل حصول، دست از ارتکاب آن می‌کشد.^۴

در خصوص اشخاص حقوقی باید گفت، برخی با دلیل‌های معتابه، مسؤولیت کیفری آنها را متضمن هدف بازدارندگی نمی‌دانند. از جمله اینکه، بازدارندگی بر پایه قابلیت ارعاب شخص از عواقب مجازات استوار است؛ حال آنکه موجودات اعتباری، ذهنی برای محاسبه و روحی برای مرعوب شدن ندارند.^۵ به علاوه، درآمد و گردش مالی شرکت‌های تجاری بزرگ آن چنان چشمگیر است که نه تنها از جریمه‌های ناچیز متأثر نمی‌شوند، بلکه با تلقی کردن آن به عنوان هزینه‌های سالانه، در عمل، ارتکاب جرم را در سید هزینه خود قرار می‌دهند.^۶ در مقابل، موافقان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، هدف بازدارندگی را جزو مهم‌ترین هدف مجازات اشخاص مزبور می‌دانند. از نگاه آنها اشخاص حقوقی نه به شیوه اشخاص حقیقی، بلکه به اعتبار ماهیت خاص خود، از رفتار مجرمانه خاص یا مشابه آن در آینده اجتناب خواهند نمود. آنها، در صورت قرار گرفتن تحت رژیم ضمانت اجراهای مناسب، قادر خواهند بود روند تصمیم‌گیری خود را اصلاح و از ارتکاب پرهیز نمایند.^۷ اشخاص حقوقی

1. Arthur Robinson, A; Corporate Culture as basis, for The Criminal Liability of Corporation (Prepared for United Nation Special Representative of the Secretary-General on Human Rights and Business 2008), 21.

۲. لارنس فریدمند، بازدارندگی، ترجمه عسگر قهرمان پوریناب و روح‌الله طالبی‌آرانی (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶)، ۵۱.

۳. نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، پیشین، ۱۲۹.

۴. جعفر یزدان جعفری، چرایی و چگونگی مجازات (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱)، ۷۹.

5. David J Reilly, *murder, Inc: The criminal Liability of corporations For Homicide* (ston Hall Law Review, 18, 1988), 401-402.

6. Ibid

۷. جلیل امیدی، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: سابقه، دیدگاه‌ها و انعکاس در قوانین کشورهای اسلامی»، ضمیمه مجله

از یک سو خصیصه‌ای همچون اشخاص حقیقی دارند؛ چنان که بر پایه ریسک‌های محاسبه شده‌ای که از ناحیه عواملان عقلانی خود اتخاذ می‌کنند، در خصوص ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم تصمیم می‌گیرند. قدرت بازدارندگی مجازات اشخاص حقوقی انتفاعی مبتنی بر تحلیل اقتصادی هزینه - منفعت^۱ است؛ زیرا آنها وسیله کسب حداکثر منفعت هستند و به مراتب بیش از اشخاص حقیقی وارد تحلیل عقلانی هزینه - منفعت می‌شوند. از این رو مجازات‌های مالی باید آن چنان شدید باشد که بر سود مترتب بر جرم فزونی و شخص حقوقی را از ارتکاب آن منصرف کند. به همین دلیل برای تأثیرگذاری مجازاتی چون جریمه شایسته است مبلغ آن براساس گردش مالی - برای مثال سه سال آخر قبل از ارتکاب جرم - انتخاب شود تا به این ترتیب نسبت به تمام اشخاص حقوقی اعم از ثروتمند و غیر ثروتمند اثر بخش باشد. درباره اشخاص حقوقی غیرانتفاعی نیز می‌توان با رجوع سایر ضمانات اجرایی چون انتشار حکم محکومیت و هدف قراردادن اعتبار آنها به تحقق بازدارندگی کمک کرد.^۲ حفظ یا اعاده اعتبار، محرک این اشخاص در عدم ارتکاب جرم یا عدم تکرار آن است.^۳

اصلاح - بازپروری^۴ به عنوان پیامد دیگر مجازات، در مقام دگرگونی و بهبود وضعیت فرد است. این راهبرد در تلاش برای اصلاح افراد مجرم در نهادهایی چون زندان یا به تنهایی از طریق تعلیمات مذهبی، اخلاقی و یا به وسیله رژیم اصلاحی شامل کار، بهداشت، بازپروری، تعلیم و تربیت و آموزش مهارت‌های زندگی است.^۵ بدیهی است، به دلیل تفاوت حاکم بر سلايق و شخصیت انسان‌ها، روش تربیت و اصلاح آنها نیز متفاوت باشد؛ چنان که برخی با تشویق و ترغیب، برخی با تهدید و برخی دیگر با خشونت و برخورد فیزیکی متحول می‌شوند. مهم آن است که نظام عدالت کیفری نوین به گونه‌ای جهت‌گیری شود که در باز اجتماعی کردن محکوم علیه و پیوند دوباره او با اجتماع نتیجه‌بخش باشد.^۶ گفتنی است، تفکر بازسازی و اصلاح مجرم تا دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی از رونق قابل توجهی برخوردار بود، اما از دهه ۷۰ به این سو مورد انتقاد شدید برخی از پژوهشگران، به ویژه جرم‌شناسان

تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی ۵۶ (۱۳۹۰)، ۲۳۱.

1. Cost - Benefit.

۲. به طور کلی پیامد ارعابی - بازدارندگی مجازات اشخاص حقوقی منوط به عوامل متعددی از جمله شدت مجازات، ماهیت جرم، قطعیت مجازات و انتشار حکم محکومیت است.

۳. محمدحسن حسینی، «فلسفه مجازات اشخاص حقوقی بزه کار، فایده گرایی - سزایابی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده شهید بهشتی (۱۳۹۰)، ۳۷۷-۳۷۹.

4. Rehabilitation/Reform.

۵. نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، پیشین، ۲۴۴-۲۴۵.

۶. عیسی والایی، جرایم و مجازات‌ها در اسلام (تهران: مجد، ۱۳۹۱)، ۱۸.

امریکایی از جمله مارتینسون^۱ قرار گرفت. او، نظام اصلاح و درمان را پُر هزینه، بی‌سرانجام و ابزار دست قوای حاکم برای انقیاد روان مجرم توصیف نمود. این دانشمند با این اعتقاد که «کاری نمی‌توان کرد» یا «هیچ چیز کارساز نبوده است»، عدم توسل به اقدام‌های اصلاح‌گرایانه در کاهش جرم را توصیه می‌نماید.^۲ صرف‌نظر از این دیدگاه، تحقق هدف اصلاحی مجازات نسبت به اشخاص حقوقی، از سوی برخی غیرممکن دانسته شده است. به زعم این طیف، تصنعی و غیرواقعی بودن اشخاص حقوقی مانع اصلاح و تربیت آنهاست.^۳ در برابر، برخی معتقدند، همان‌طور که اشخاص حقیقی دارای شخصیت هستند، اشخاص حقوقی واجد فرهنگ سازمانی‌اند. فرهنگی که می‌تواند هم به انحطاط کشیده شود و هم در پرتوی ضمانت‌اجراهایی چون تعلیق مجازات توأم با اصلاح وضعیت جرم‌زا، گماردن قیّم و ناظر در مجامع عمومی و هیأت مدیره که قدرت هدایت سیاست‌های شخص حقوقی را داشته باشد، اصلاح شوند.^۴

نکته این‌که، هدف‌های مجازات به سزادهی، بازدارندگی و اصلاح محدود نمی‌شود و به دو هدف دیگر، یعنی ناتوان‌سازی^۵ و حمایت از بزه‌دیده^۶ نیز توسعه می‌یابد. ناتوان‌سازی که به معنای سلب توانایی شخص بزه‌کار در ارتکاب جرم از طریق سلب حقوق و خارج از دور کردن اوست، جایی مفهوم می‌یابد که کوشش‌های به کار گرفته در باز اجتماعی کردن بزه‌کار و هنجارمند نمودن او بی‌نتیجه مانده باشد.^۷ شدیدترین شکل ناتوان‌سازی در مورد اشخاص حقوقی، انحلال^۸ و مصادره کل اموال^۹ است. تعطیلی موقت^{۱۰} محدود نمودن فعالیت^{۱۱}، ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری^{۱۲} نمونه‌هایی خفیف‌تری از این نوع واکنش هستند

1. Martinson

۲. رضا فرج‌اللهی، جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)، ۲۵۷.

3. Andrew Ashworth, *The Decline of English Sentencing and other Stories*; in: Michael Torny and Richard S. Frase; *Sentencing and Sanction in Western Countries* (Oxford: Oxford University Press, 2001), 128-138.

۴. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۵۷.

5. Incapacitation

6. Helping the Victim

۷. سوزان استون و کریستین پیپر، «کیفرشناسی نوین و سیاست‌های تازه»، ترجمه فیروز محمودی جانکی و رسول عابد، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۰ (۱۳۹۰)، ۱۷۱.

8. Dissolution

9. Confiscation of property

10. Recess

11. Limited The Activity

12. Ban On The Issuance Of Some Commerical Papers.

که در موضع جدید قانونگذار ایران - قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ - مورد توجه قرار گرفته‌اند. سرانجام قصور اشخاص حقوقی در تأمین سلامت انسان‌ها و امنیت بزه‌دیدگان و همچنین عدم کفایت ضمانت اجراهای حقوقی در توقف اعمال زیانبار آنها توسل به ضمانت اجراهای کیفری را ناگزیر ساخته است. بزه‌دیده شناسی حمایتی اساساً بر این اندیشه استوار است که جامعه به طور کلی و نظام دادگری جنایی به طور خاص، باید در همه لایه‌های خود - مشارکتی، قانونگذارانه، قضایی و اجرایی - حمایت از بزه‌دیده را فراتر از جبران مادی یا اقتصادی توصیف کند و به ترمیم درد و رنج‌های عاطفی برخاسته از جرم و جبران واقعی بزه‌دیدگی آنان توسعه دهد.^۱ این موضوع در خصوص اشخاص حقوقی که بیش از اشخاص حقیقی منابع خطر را در اختیار داشته و قادرند انسان‌های بی‌شماری را در معرض صدمه قرار دهند، با اهمیت‌تر است. به همین منظور استفاده از ضمانت اجراهایی همچون خدمت اجتماعی،^۲ حکم به جبران خسارت^۳ بزه‌دیده به ویژه در قالب ضمانت اجرای تعلیق^۴ شایسته است که رویکرد ترمیمی مشهودتری دارند.

این مقدمه، مجالی را برای این نوشتار فراهم می‌سازد تا ضمانت اجراهای مالی و غیرمالی مورد نظر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در مورد جرایم اشخاص حقوقی را مورد تأمل قرار دهد؛ از این حیث که آیا با ماهیت اشخاص حقوقی منطبق‌اند یا نه؟ همچنین، ضعف و حسن هر یک در چیست؟ آیا از تکرر و تنوع کافی برای کنترل رفتار مجرمانه آنها برخوردارند؟ به‌طور کلی آیا بر پایه ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده، هدف‌های مجازات، خاصه بازدارندگی، اصلاح سیستم جرم‌زای شخص حقوقی و منافع بزه‌دیده تأمین می‌شود؟

۱. ضمانت اجراهای مالی^۵

از آنجا که ضمانت اجراهای سنتی چون اعدام، حبس، تبعید و شلاق، مختص اشخاص حقیقی‌اند و در برابر اشخاص حقوقی موقعیت اجرا ندارند، استفاده از واکنش‌های جایگزینی مثل جزای نقدی و مصادره اموال به‌ویژه در حالتی که کسب سود، سایق اشخاص حقوقی به ارتکاب جرم باشد، تدبیری است که مطمح نظر دکتترین و قانونگذاران کشورهای مختلف،^۶

۱. مهرداد رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی (تهران: دادگستر، ۱۳۹۰)، ۱۵.

2. Community Service

3. Compensation Order

4. Probation

5. Financial Sanctions

۶ به عنوان مثال، ماده (۳۹-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین فرانسه (اصلاحی ۲۰۰۴) به این نوع ضمانت اجرا توجه کرده است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: محمود روح‌الامینی، «دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، فصلنامه فقه و حقوق ۱۶ (۱۳۷۸)، ۱۵۰-۱۵۱.

از جمله قانونگذار ایران قرار گرفته است. اینکه این نوع ضمانت اجراها تا چه حد توان تحقق هدف‌های مجازات بخصوص هدف بازدارندگی را دارد و قانونگذار ایران در انتخاب آنها از چه معیاری تبعیت کرده است، در پی ارزیابی آنها آشکار خواهد شد.

۱-۱. جزای نقدی^۱

جریمه یا جزای نقدی عبارت است از الزام محکوم به پرداخت مبلغی وجه نقد به حساب دولت به عنوان مجازات که با وجهی که محکوم‌علیه به عنوان ضرر و زیان به بزه‌دیده می‌پردازد، ماهیتی متفاوت دارد. همان‌طور که گفته شد، قابلیت جایگزینی این ضمانت اجرا به جای ضمانت اجراهای سنتی غیرقابل اجرا در حق اشخاص حقوقی، از جمله دلیل‌های اقبال قانونگذاران نسبت به آن به شمار می‌رود. به علاوه، تحلیل اقتصادی رفتار مجرمانه اشخاص حقوقی انتفاعی، همچون شرکت‌های تجاری که بر پایه هزینه - منفعت استوار است، طرفداران این نوع ضمانت اجرا را بر آن داشته است تا به انگیزه تحقق هدف بازدارندگی، از آن دفاع و به تقویت آن همت گمارند. عدم دخالت دولت در امور داخلی اشخاص حقوقی، عدم تحمیل هزینه به خزانه عمومی و ایجاد درآمد برای دولت، جهت‌های دیگر دفاع از ضمانت اجرای جزای نقدی‌اند. به علاوه، همین که این ضمانت اجرا مُتصف به صفت مجازات است، شهرت و جایگاه اجتماعی اشخاص حقوقی را در معرض تهدید قرار و آنها را وادار می‌سازد تا برای اعاده اعتبار و شهرت از کف داده، شیوه مدیریت و خطمشی ناصواب خود را اصلاح و ترمیم نمایند.^۲

با این همه، پیامدگرایی مجازات مزبور - همان‌طور که در مقدمه تشریح شد - از سوی برخی مورد تردید قرار گرفته است. به گمان آنها جریمه نقدی - مبلغ بالا یا پایین - تالی فاسد دارد؛ زیرا، چنانچه جریمه نقدی در قیاس با درآمد هنگفت اشخاص حقوقی تجاری ناچیز باشد، نه تنها بازدارنده نیست، بلکه محرک آنها به ارتکاب جرم و تکرار آن است و اگر میزان جریمه شدید و فراتر از توان مالی شخص حقوقی باشد، ورشکستگی و مآلاً اخراج خدمه و کارکنان را در پی خواهد داشت. افزون بر این، آثار زیانبار این نوع ضمانت اجرا گریبان‌گیر مصرف‌کنندگان و استفاده‌کنندگان از خدمات و کالاهای اشخاص حقوقی محکوم خواهد شد؛ چه، آنها برای جبران جریمه پرداختی، در تکاپوی افزایش قیمت کالا و خدمات یا کاهش کیفیت آنها خواهند افتاد. همچنین، اشخاص حقوقی غیرتجاری و غیرانتفاعی که اساس تشکیل آنها تأمین ارزش‌های غیرمالی است، نسبت به ضمانت اجرای مالی تأثیر

1. Fine

۲. رضا فرج‌اللهی، پیشین، ۱۴۶-۱۴۷. همچنین: حسنی، پیشین، ۲۸۰-۳۸۱.

چندانی نخواهند پذیرفت. وانگهی، اعتبار ارزش‌های مالی در نزد اشخاص حقوقی به معنای بی‌اهمیتی ارزش‌های غیرمالی - از قبیل شهرت و اعتبار - از منظر آنها نیست. ارزش‌هایی که نه با ضمانت اجراهای مالی، بلکه با ضمانت اجرای غیرمالی قابل تهدید کیفری هستند.^۱ سرانجام، عدم انعکاس قباحت عمل مجرمانه شخص حقوقی از دیگر ناتوانی‌های جریمه نقدی دانسته شده است. زیرا، اصولاً افکار عمومی محکومیت شخص حقوقی به پرداخت جریمه را بر خفت جرم ارتكابی حمل و ساختار چنین شخصی را کم‌خطر می‌پندارد. چنان‌که در مورد اشخاص حقیقی نیز به این جهت که محکومیت آنها به جریمه، اغلب، در قبال ارتكاب جرایم خرد^۲ یا انضباطی^۳ است، همین تصور مجری است.^۴

ایرادهای فوق‌به‌رغم تأمل‌برانگیز بودن، قابل‌رفع‌اند؛ به این ترتیب که می‌توان با تطبیق میزان جزای نقدی با درآمد و دارایی اشخاص حقوقی، ضریب بازندگی آن را نسبت به همه اشخاص حقوقی اعم از پُر درآمد و کم درآمد افزایش داد. در نتیجه، با افزایش درآمد و متوسط گردش مالی شخص حقوقی، نرخ جریمه نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه این راهکار، جریمه محاسبه شده، نه ناچیز جلوه می‌نماید و نه به ورشکستگی شخص حقوقی می‌انجامد. قانونگذار فرانسه به همین منظور - ماده (۳۹-۱۳۱) قانون مجازات اصلاحی ۲۰۰۴ م - میزان جریمه قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را پنج برابر میزان مقرر در مورد اشخاص حقیقی تعیین کرده است. همچنین در موردی که جنایت ارتكابی از ناحیه شخص حقوقی از نوعی باشد که برای اشخاص حقیقی جریمه‌ای منظور نشده باشد، میزان جریمه شخص حقوقی یک میلیون یورو خواهد بود.^۵ ماده (۲۱) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مانند قانونگذار فرانسه جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را فراتر از میزان قابل اعمال بر اشخاص حقیقی برای همان جرم پیش‌بینی کرده است.^۶ پیشتر نیز قانونگذار در خصوص جرایم رایانه‌ای میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی را تا شش برابر جزای نقدی جرم آنها تعیین کرده بود.^۷ هر چند، خط مشی دو نظام مذکور در ارتقای سطح جریمه

1. Celia Wells, Corporations and criminal responsibility (oxford: clarendon press, 2001), 35.

2. Micro crime

3. Dicipinary crime

4. Ibid

۵. گفتنی است، ماده (۲۸-۱۳۲) مقررۀ مزبور اجازه داده است تا جزای نقدی شخصیت‌های حقوقی که متکفل کارهای فصلی مانند تولید اسباب بازی هستند یا به جرفی چون پزشکی یا فعالیت‌های اجتماعی مشغول‌اند، حداکثر برای مدت سه سال تقسیط کنند (فرج‌اللهی، پیشین، ۱۴۶-۱۴۹).

۶. ماده (۲۱): «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتكاب همان جرم به وسیله اشخاص حقوقی تعیین می‌شود».

۷. ماده (۲۴۸) قانون مجازات اسلامی اصلاحی ۱۳۷۵ بخش تعزیرات: «اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق با توجه به شرایط

قابل تحمیل بر اشخاص حقوقی و تلاش برای اثربخش کردن آن در خور تحسین است، اما می‌توانست در احتساب آن معیار مناسب‌تری ارائه دهد. به این شکل که از معیار مناسب‌تر و اثرگذارتری که عبارت است از لحاظ درصدی از درآمد سالانه اشخاص حقوقی - دستکم شرکت‌های تجاری - استفاده کند.

گفته می‌شود که نظام کیفری انگلستان برخلاف نظام کیفری ایران و فرانسه، برای اثرگذاری هرچه بیشتر جریمه از معیاری مطلوب‌تر یعنی دریافت درصدی از گردش مالی سالانه شخص حقوقی تجاری بهره جسته است. چنان که هیأت مشورتی تعیین مجازات^۱ منظور نمودن پنج درصد میانگین گردش مالی این اشخاص در طول سه سال قبل از ارتکاب جرم را در این خصوص پیشنهاد نموده است. به زعم این هیأت، تعیین نرخ جریمه نقدی در قالب درصدی از گردش مالی شخص حقوقی در سه ساله قبل از ارتکاب جرم، بر همه اشخاص حقوقی، اعم از دارندگان منابع مالی غنی و محدود، تأثیری یکسان گذارده و شدت جرم هر یک را به نحو بایسته منعکس می‌کند. بر همین اساس، قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ این کشور به دادگاه اجازه داده تا به منظور آگاهی از توان مالی شخص حقوقی، اقدام به صدور قرار وضعیت مالی^۲ و الزام محکوم علیه به ارائه گزارش رسمی تراز مالی خود نمایند.^۳ به موجب این مقرر، تخلف عمدی شخص حقوقی متخلف را این حق را برای دادگاه ایجاد خواهد کرد که به تشخیص خود، شخص حقوقی متخلف را قادر به پرداخت هر میزان جریمه فرض نماید. به علاوه، در اجرای مجازات مزبور کیفیات مشدده و محففه نیز پیش بینی شده است و برای این امر - نسبت به شاخص پنج درصد - نوسان بین ۲/۵-۱۰ درصد متوسط گردش مالی سه سال آخر قبل از تعیین مجازات در نظر گرفته شده است.^۴

و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد».

1. Sentencing Advisory Panel.
2. Financial Circumstance Order.

۳. کمیسیون مشترک مجلس عوام نیز در بررسی لایحه قتل غیرعمد و آدمکشی شرکت‌ها، محاکم را به تهیه گزارش پیش از تعیین مجازات (Report Pre-sentence) و اصلاح از وضعیت مالی شرکت متخلف توصیه نمود. هر چند در نهایت این نکته در قانون قتل و آدمکشی مصوب ۲۰۰۷ با این استدلال دولت که اختیار دادگاه‌ها خودبه‌خود مقید این معناسست، تصریح نشد.

First Joint Report From The Home Affairs Work And Pensions Committee, Session 2005-2006.

۴. عملکرد مثبت گذشته در رعایت اصول ایمنی، تلاش برای رفع آثار زیانبار پس از وقوع خطر، اقرار به ارتکاب جرم در ابتدای تعقیب، عوامل مؤثر در تخفیف و عدم اعتنا به اخطارهای مقام قضایی، تکرار در نقض قانون، شدت خطر ایجادشده، درجه قصور و فاصله‌گیری از معیارهای متعارف و امثال آنها عوامل مؤثر در تشدید مجازات شخص حقوقی محسوب می‌شوند. برای اطلاع بیشتر ر.ک:

Richard Matthews, Guide to The Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007 (Oxford

از دیگر راهکارهای کاهش معایب جزای نقدی، پیش‌بینی سایر ضمانت‌اجراهای کیفری است؛ به نحوی که قاضی پرونده از میان جزای نقدی یا ضمانت‌اجرای دیگر - مثل محدودسازی فعالیت یا تعلیق مراقبتی - یا جمع آنها آزادی عمل داشته باشد. همان‌گونه ماده (۳۹-۱۳۱) قانون مجازات جدید فرانسه (مصوب ۲۰۰۴) با همین رویکرد تنظیم شده است.^۱ قانونگذار ایران نیز به تاسی از همین خط‌مشی (ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی) دست‌مقام قضایی را در گزینش و اعمال یک تا دو مورد از ضمانت‌اجراهای هفت‌گانه^۲ مقرر^۳ باز گذارده است؛ جز آنکه برخلاف نظام کیفری فرانسه، اجرای جزای نقدی در برابر ارتکاب جرایم سبک - مثل جرایم با مجازات درجه هشت - را اجباری ندانسته است. دیگر اینکه، تکلیف جرمه اشخاص حقوقی را در حالتی که جرایم ارتكابی فاقد جزای نقدی برای اشخاص حقیقی است - مانند خیانت در امانت موضوع ماده (۶۷۴) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) - مشخص نکرده است. همان‌طور که در سطرهای پیش اشاره شد، قانونگذار فرانسه در چنین وضعیتی، مبلغ یک میلیون یورو را برای تحمیل به اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. این راهکار می‌تواند رهنمون مناسبی برای قانونگذار ایران در اصلاح تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی باشد.

در پاسخ به ایراد دیگر جزای نقدی دایر بر تأثیر بر سهامداران بی‌گناه باید گفت، چنین تأثیری منحصر و متوقف به جزای نقدی نیست و سایر ضمانت‌اجراها از جمله انحلال، مصادره اموال، محرومیت از حقوق نیز مُتصِف به همین خصیصه و بلکه شدیدتر است. وانگهی، تسری آثار مجازات اشخاص حقوقی بر شرکا و سهامداران، بسا موجب افزایش دقت آنها در انتخاب مدیران شایسته و نیز جلوگیری از اتخاذ تصمیم‌های ناصواب در مجمع‌های عمومی و ترسیم خط‌مشی مجرمانه برای اشخاص حقوقی گردد.

۱-۲. مصادره اموال^۳

مصادره اموال ریشه تاریخی و تا حدی رنگ سیاسی دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که این ضمانت‌اجرا به جهت‌های گوناگونی از قبیل خیانت، قیام، شورش و یا خشم و غضب سلاطین و امپراتورها و یا جرایم و گناهان دینی به موقع اجرا گذاشته می‌شده است. کمالینکه

University Press, 2008), 123-124.

۱. روح‌الامینی، پیشین، ۱۵۰-۱۵۱.

۲. موارد هفت‌گانه عبارت‌اند از: ۱. انحلال شخص حقوقی؛ ۲. مصادره کل اموال؛ ۳. ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای پنج سال؛ ۴. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال؛ ۵. ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال؛ ۶. جزای نقدی؛ ۷. انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.

در قرون وسطی بدعت و الحاد در دین از جمله جرایمی بود که اغلب به مصادره عمومی اموال ختم می‌گشت. هم‌اینک نیز این ضمانت اجرا جایگاه خود را در زرادخانه کیفری نظام‌های حقوقی حفظ کرده است تا هم تحت عنوان مجازات به کار گرفته شود و هم به بقای وسایل خطرناک و مضر به حال جامعه جلوگیری شود.^۱

از یک سو، مصادره اموال به دو قسم عام و خاص تقسیم می‌شود. منظور از مصادره عام، ضبط اموال موجود محکوم علیه اعم از منقول و غیرمنقول به موجب قانون از سوی مقام صلاحیت‌دار است. این ضمانت اجرا که از جهت شدت به مرگ مدنی نزدیک است،^۲ اغلب در مورد مجرمینی به موقع اجرا گذارده می‌شود که از طریق نامشروع کسب منافع و ثروت نموده‌اند. با این همه، تسری آثار این واکنش به اشخاص بی‌گناه انتقادهای زیادی را متوجه آن نموده است.^۳ از آنجا که اجرای مصادره کل اموال موجب محرومیت سهامداران، شرکا و طلبکاران از دارایی اشخاص حقوقی می‌شود، در قیاس با مصادره کل اموال اشخاص حقیقی متضمن آثار زیانبارتری است. به همین دلیل، در سببیه ضمانت اجراهای برخی از نظام‌های کیفری از جمله ماده (۳۹-۱۳۱) فرانسه نشانی از چنین ضمانت اجرایی دیده نمی‌شود. حتی انحراف از هدف مشروع نخستین و اتخاذ رویه مجرمانه نیز موجب نشده تا از چنین واکنشی بهره‌گیری شود و به جای آن، از راهبرد انحلال که دارایی شخص حقوقی را در اختیار سهامداران و طلبکاران قرار می‌دهد، استفاده شده است.^۴ این در حالی است که قانون مجازات اسلامی ایران علاوه بر ضمانت اجرای انحلال (بند الف ماده ۲۰) به مصادره کل اموال (بند ب همان ماده) نیز به عنوان مجازاتی درجه یک تصریح نموده است.^۵ پیشتر نیز قوانین موردی مثل ماده (۲) قانون تعزیرات حکومتی در امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام به ضمانت اجرای مصادره کل اموال

۱. حمید دلیر، حقوق مصادره (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۱۷-۲۰.

۲. در عین حال برخی بین مرگ مدنی و مصادره عمومی قائل به تفکیک شده‌اند و توضیح داده‌اند که مرگ مدنی یعنی سلب اهلیت تمتع برای همیشه؛ اما مصادره عمومی عبارت است از سلب مالکیت کلیه اموالی که محکوم تا زمان صدور حکم مالک آن بوده است. چنانچه پس از صدور حکم مصادره عمومی، محکوم از طریق سعی و تلاش خویش مالی را تحصیل یا اموالی بر وی تملیک شده باشد، مالک شرعی و قانونی آنها بوده و حق هرگونه تصرف و انتفاع از آنها را خواهد داشت. حال آنکه در مرگ مدنی فرد بر آن همیشه اهلیت تمتع خویش را از دست می‌دهد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: رحمت‌الله نوروزی فیروز، مجازات (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰)، ۲۶۸-۲۶۹.

۳. حمید محمدی، ضبط، مصادره، استرداد و اخذ اموال حاصل از جرم (تهران: کتابخانه گنج‌دانش، ۱۳۹۰)، ۱۶۹. همچنین؛ غلامحسین الهام و محسن برهانی، درآمدی بر حقوق جزای عمومی: واکنش در برابر جرم (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۱۵۳-۱۵۴.

۴. محمود روح‌الامینی، پیشین، ۱۵۱.

۵. ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی: «مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود: درجه یک: حبس بیش از ۲۵ سال، جزای نقدی بیش از یک میلیارد ریال، انحلال شخصی حقوقی».

تصریح نموده‌اند که با توجه به تبعات زیانبار آن نسبت به طلبکاران، کارمندان، سهامداران و حتی استفاده‌کنندگان از خدمات و تولیدات شخص حقوقی قابل انتقاد به نظر می‌رسد.^۱ اما مصادره خاص در معنای استیلای دولت بر قسمتی از اموال ناظر به موضوع، محصول و یا ابزار جرم، متعاقب حکم دادگاه و بر پایه قانون است. مانند کالاهای تقلبی که پس از صدور حکم قطعی معدوم می‌شود،^۲ اسلحه غیرمجازی که به نفع دولت ضبط می‌گردد^۳ و یا آلات و اسباب قمار که حسب مورد به موجب حکم دادگاه معدوم و یا ضبط می‌شود.^۴ مصادیق اموال محصول جرم نیز متعدد است؛ مثل سکه قلب^۵ و یا اموالی که از طریق تکدی و کلاشی به دست آمده^۶ و یا به طور کلی اموالی که از طریق تخلف قانونی (نامشروع) حاصل شده است.^۷ سرانجام، اموالی که وسیله ارتکاب جرم هستند نیز معتنا به‌اند. مانند وجه یا مالی که راشی به مرتشی می‌پردازد،^۸ وسایط نقلیه‌ای که در حمل مواد مخدر به کار می‌رود^۹ و یا واحد تجاری و خدماتی که برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر مورد استفاده قرار می‌گیرد.^{۱۰} به طور کلی مصادره خاص ناظر به اموال و اشیایی است که به نحوی با جرم ارتباط دارند.^{۱۱} در خصوص اشخاص حقوقی نیز اهمیت مصادره اموال ناشی یا مرتبط با جرایم آنها - مصادره خاص - به گونه‌ای است که در مقرره‌های کیفری به عنوان ضمانت اجرای اصلی جایگاه یافته است. چنان که در مواد (۷-۱۳۱) و (۴-۱۳۱) قانون مجازات ۲۰۰۴ فرانسه تحت همین عنوان مورد اهتمام قرار گرفته است.^{۱۲} با این همه، در میان ضمانت اجرای ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی ایران، از این ضمانت اجرا نشانی دیده نمی‌شود. تصریح ماده

۱. گفتنی است، قانون مبارزه با مواد مخدر نیز مصادره کل اموال قاچاقچیان را پیش‌بینی کرده بود که با اصلاحات سال ۱۳۸۹ مقرر گردید فقط اموال به دست آمده از راه جرم، مصادره شود (زرعت، حقوق جزای عمومی)، ۱۰۶.
۲. تبصره (۲) بند (ز) ماده (۱۸) قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴.
۳. تبصره (۲) ماده (۳) قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح مصوب بهمن.
۴. ماده (۷۰۹) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۵. ماده (۵۲۲) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۶. ماده (۷۱۲) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۷. تبصره (۱) ماده (۲) قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب آذر ۱۳۶۹.
۸. ماده (۵۹۲) قانون مجازات اسلامی، تعزیرات.
۹. ماده (۳۰) قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب آبان ۱۳۶۷.
۱۰. ماده ۱۳ و تبصره ماده ۱۴ قانون مبارزه با مواد مخدر.
۱۱. اردبیلی، پیشین، ۱۷۲. همچنین؛ عباس زراعت، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی (تهران: جاودانه و جنگل، ۱۳۹۲)، ۱۰۶-۱۰۸.
۱۲. با این همه ممکن است ضبط اصل مال ممکن نباشد که در این صورت معادل این اموال در مواردی که از جرم تحصیل شده است مصادره می‌شود (تبصره ماده واحده قانون تشدید مجازات جاعلین).
۱۳. رضا فرج‌اللهی، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۸)، ۱۵۳. همچنین؛ روح‌الامینی، پیشین، ۱۵۲.

مذکور به ضمانت اجرای شدیدتر (مصادره عام) و عدم تصریح به ضمانت اجرای خفیفتر (مصادره خاص) منطقی نمی‌نماید. با این وجود، بعید نیست استدلال شود، تبصره مواد (۱۹)^۱ و (۲۱۵)^۲ قانون مجازات اسلامی که به ضبط اشیا و اموال مجرمانه^۳ - وسیله ارتکاب جرم یا ماحصل جرم - تصریح کرده است می‌تواند خلأ ماده (۲۰) را در این رابطه مرتفع کند.

۲. ضمانت اجراهای غیرمالی^۴

تنوع اشخاص حقوقی و پیچیدگی‌های حاکم بر ساختار این اشخاص به گونه‌ای است که ضمانت اجراهای مالی به تنهایی قادر به کنترل رفتار مجرمانه آنها نیست. بیشتر اشاره شد که در نزد اشخاص حقوقی غیرتجاری اهمیت ارزش‌های غیرمالی فراتر از ارزش‌های مالی است و از این حیث، ضمانت اجراهای غیرمالی از قبیل تعلیق مراقبتی، انتشار حکم محکومیت یا واکنش‌های مالی غیرمستقیمی چون خدمت اجتماعی، بیش از واکنش‌های مالی در هنجارمند نمودن آنها مؤثر در مقام‌اند. درک این واقعیت از سوی نظام‌های حقوقی راه را برای ورود ضمانت اجرای غیرکیفری به مجموعه قوانین کیفری و رویه قضایی آنها هموار ساخته است. به عنوان مثال قانون قتل و آدمکشی مصوب ۲۰۰۷ انگلستان به تدابیری چون انتشار حکم محکومیت و تعلیق مراقبتی روی آورده است.^۵ همچنین قانون اصلاح جرایم (قتل غیر عمد صنعتی) استرالیا^۶ که به ضمانت اجراهای مختلفی مثل خدمت اجتماعی^۷ متوسل شده است.^۸ یا مجموعه قانون کیفری نوین فرانسه (۲۰۰۴) که از واکنش‌هایی چون

۱. تبصره ماده (۱۹): «ضبط اشیا و اموری که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری جرم بوده است، از شمول بین ماده و بند ب ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون حمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مسئنی شود».

۲. ماده (۲۱۵): «بازپرس یا دادستان در صورت قرار منع یا موقوفی تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاصی داده شده است تعیین کند تا حسب مورد مسترد، ضبط یا معدوم شود. در مورد ضبط، دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین می‌کند».

۳. هر دو اصطلاح مصادره یا ضبط اموال با تفاوتی جزئی به یک معنی، یعنی استیلائی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه به کار رفته است. در عین حال برخی با قائل به تفکیک شدن از بین این دو، از مصادره به معنای محرومیت دائمی مالک از مال خود به موجب حکم یا دستور دادگاه یاد کرده‌اند و از ضبط به معنای ممنوعیت از دخالت و تصرف در مال به صورت موقت تعبیر کرده‌اند. به تعبیر آنها ضبط در واقع نوعی اقدام تأمینی برای تعیین اجرای دستور مصادره یا استرداد مال به مالک قانونی آن محسوب می‌شود. (برای مطالعه بیشتر نک: حمید دلیر، حقوق مصادره (تهران: نشر میزان ۱۳۹۰)، ۵۷-۵۹.

4. Non-Financial Sanctions

5. "Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007." Accessed Jun 7, 2013. <http://www.legislation.gov.uk/ukpga/2007/19/content>.

6. Crime (Industrial Manslaughter) Amendment Act 2003 (Act) s 49 E (2).

7. Community Service

8. "Crime (Industrial Manslaughter) Amendment Act 2003" Accessed Jun 7, 2013.

تحت مراقبت قضایی قرار گرفتن، اعلان تصمیم مورد حکم قرار گرفته یا انتشار آن - خواه به وسیله مطبوعات نوشتاری یا به هر وسیله ارتباط جمعی الکترونیکی - ممنوعیت اجرای مستقیم یا غیرمستقیم یک یا چند فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی به طور دائمی یا موقتی برای دوره حداکثر پنج سال، ممنوعیت اقدام به فراخوان عمومی برای پس‌انداز به طور دائمی یا برای دوره پنج سال، ممنوعیت از صدور چک^۱ و ممنوعیت از صدور کارت خودپرداز برای پنج سال، ضمانت اجرا - ترمیم^۲ - انحلال، تعطیلی موقت برای نظارت مدیریت شخص حقوقی و تحقق هدف اصلاحی و نیز دستیابی به دیگر اغراضی چون ناتوان‌سازی، بازدارندگی و جبران خسارت وارده بر بزه‌دیده، به‌ویژه جبران خسارت غیرمالی، استفاده شده است.^۳

قانونگذار ایران نیز با پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی چون انحلال شخص حقوقی، ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی، ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه، ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجارتي و انتشار حکم به وسیله رسانه‌ها، تلاش نموده است تا هم‌سو با سایر نظام‌های حقوقی رفتار شخصی حقوقی را به نحوی سامان‌دهی کند تا تعقیب‌کننده هدف‌های مجازات باشد. با این توضیح، مهم‌ترین مصادیق ضمانت‌های اجرایی غیرنقدی را مورد تأمل قرار می‌دهیم.

۲-۱. انحلال^۴

از جمله شدیدترین ضمانت‌های اجرایی که در راستای تحقق هدف ناتوان‌سازی شخص حقوقی از ارتکاب جرم ملحوظ نظر نظام‌های حقوقی از جمله ایران قرار گرفته، انحلال است. ره‌آورد این ضمانت اجرا همچون سایر ضمانت‌های اجرا، هم مثبت است و هم منفی. ره‌آورد

[http:// www.legislation.act.gov.au/a/2003-55/20040301-10529/pdf/2003-55.pdf](http://www.legislation.act.gov.au/a/2003-55/20040301-10529/pdf/2003-55.pdf).

۱. به جز چک‌هایی که اجازه برداشت پول با مراجعه مستقیم صادرکننده چک به شعبه پرداخت‌کننده را می‌دهد و یا چک‌هایی که پرداخت آن تضمین شده است.

۲. ضمانت اجرا - ترمیم (Sanction- Reparation) که واکنش پیش‌بینی شده در ماده (۱-۸-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین فرانسه است، مبنی بر تعهد محکوم به اقدام برای جبران خسارت بزه‌دیده از جمله خسارت معنوی در مدتی معین و بر مبنای شیوه‌های تعیین شده به وسیله دادگاه است. یا موافقت بزه‌دیده و متهم، جبران خسارت می‌تواند بدل به اجرا گذاشته شود. اجرای جبران خسارت به وسیله دادستان شهرستان یا نماینده وی ارزیابی می‌شود. هنگامی که دادگاه کیفر ضمانت اجرا - ترمیم را مورد حکم قرار می‌دهد دوره حبس جنحه‌ای را که نمی‌تواند از شش ماه تجاوز کند یا مبلغ جریمه‌ای را که نمی‌تواند از ۱۵۰۰۰ یورو تجاوز کند، تعیین می‌کند که اگر محکوم متعهد جبران خسارت را رعایت نکند دادرسی اجرای کیفری خواهد توانست دستور به اجرا گذاشتن کامل یا جزئی حبس جنحه‌ای یا ودیعه را بر مبنای شرایط پیش‌بینی شده در ماده (۶-۷۱۲) مجموعه قانون آیین دادرسی کیفری بدهد. در مورد ماده (۱-۴۴-۱۳۱) این قانون کیفر ضمانت اجرا - ترمیم در خصوص جرایم خلافی پیش‌بینی شده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: روح‌الامینی، پیشین، ۱۵۱.

3. Kartin Deckret, Corporate Criminal Liability in France in: Corporate Criminal Liability, Edit by Mark Pieth and Radha Ivory (Springer, 2011), 165-175.

4. Dissolution

مثبت آن، دفاع از اجتماع در برابر اشخاص حقوقی است که از درجه خطر بالایی برخوردارند و امید چندانی به اصلاح وضعیت جرم‌زایشان نیست. مانند اشخاصی که از ابتدا به انگیزه ارتکاب جرم شکل گرفته‌اند و یا بعد از شکل‌گیری، از هدف مشروع نخستین خود منحرف و فعالیت خود را در انحصار ارتکاب قرار داده‌اند و ره‌آورد منفی آن، تضرر سهامداران، اخراج و بیکاری کارکنان و همچنین محرومیت مشتری‌ها از محصولات و خدمات‌های شخص حقوقی است. به عنوان مثال شرکت وال مارت استورز^۱ از جمله عظیم‌ترین شرکت‌های تجاری جهان است که تعداد کارکنان آن به ۲۲۰۰۰۰۰ نفر می‌رسد.^۲ یا شرکت‌های ایران خودرو و سایپا در ایران به ترتیب ۵۲۷۹۵^۳ و ۳۹۳۰۴ نفر کارمند دارند.^۴ بدیهی است چنانچه اشخاص مذکور منحل شوند، علاوه بر بی‌خانمانی کارکنان پُر شمار، میلیون‌ها نفر دیگر اعم از خریداران خودرو و استفاده‌کنندگان خدمات پس از فروش در سراسر کشور دچار مشکل خواهند شد. ضعف این ضمانت اجرا زمانی که ارتکاب جرم و فراهم نمودن موجبات انحلال مأخوذ از تصمیم و عملکرد مدیران شخص حقوقی بوده و نه شرکا و سهامداران آن، بیش از پیش آشکار می‌گردد. اگرچه انتظار می‌رود یکایک اعضا و سهامداران در انتخاب مدیران احساس مسؤلیت نموده و دقت عمل به خرج دهند، اما واقعیت حاکم بر اشخاص حقوقی بزرگ که گاه دارای سهامدارانی از سراسر کشورند، نشان می‌دهد که در عمل، سهم اعضا در کنترل رفتار مدیران بسیار ناچیز است. حتی اگر قصور و کوتاهی اعضای شخص حقوقی در انتخاب شایسته مدیران و نظارت بر آنها را مفروض بدانیم، دفاع از حقوق بی‌گناهیانی چون طلبکاران و استفاده‌کنندگان از خدمات شخص حقوقی، ایجاب می‌نماید که تا حد ممکن از ضمانت اجرای مزبور استفاده نشود. به علاوه، از کجا معلوم که پس از فرایند انحلال، متصدیان شخص حقوقی با عنوان و شکل جدیدی به احیای شخص حقوقی منحل اقدام نکنند؟ بدیهی است در این صورت، تحقق هدف ناتوان‌سازی دور از انتظار است.

اشکال‌های فوق زنهاری است برای نظام‌های حقوقی که از اهرم انحلال جز در موارد شاذ و نادر استفاده نکنند که منافع کلان جامعه بر منافع بخشی از جامعه - کارکنان و سهامداران و ... - ترجیح دارد، براین اساس، ماده (۳۹-۱۳۱) مجموعه قانون نوین کیفری فرانسه و انحلال شخص حقوقی را جز آنجا تجویز نکرده است که بنای تأسیس شخص حقوقی ارتکاب جرم بوده و یا در ادامه، رویه مجرمانه اتخاذ نماید.^۵ ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی

1. Wal-mart stores

2. <http://money.cnn.com/magazines/fortune/globa/500/2013>

3. <http://www.iko.com>

4. <http://www.saipa.corp.com>

5. Kartin Deckret, Corporate Criminal Liability in Freance, 168.

ایران نیز با همین رویکرد، انحلال شخص حقوقی را منحصر به همین دو مورد کرده است.^۱ برای جلوگیری از احیای شخص حقوقی منحل شده از طرف مدیران نیز باید گفت، پیش‌بینی ممنوعیت این امر در قانون می‌تواند راهکاری مناسب باشد. کما اینکه قانونگذار فرانسه در ماده (۳۹-۱۳۱) قانون مورد ذکر به همین ترتیب عمل کرده است.^۲ بر عکس، ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی این مهم را از نظر دور نگاهداشته است. ناگفته نماند، فقط اشخاص حقوقی خصوصی یعنی شرکت‌های تجاری و مؤسسه‌های غیرتجاری مشمول ضمانت اجرای انحلال قرار می‌گیرند. زیرا، اشخاص حقوقی عمومی اصولاً در مقام اعمال حاکمیت‌اند و بر این اساس تحمیل هر نوع ضمانت اجرای کیفری که منافی با وظیفه حاکمیتی آنها - از قبیل اعلان جنگ یا صلح، فرمان دادن، قضاوت کردن، مجازات نمودن - باشد، غیرممکن می‌نماید. البته تبعات منفی مجازات دولت محدود به عرصه داخلی نیست، بلکه در عرصه بین‌المللی نیز تضعیف اقتدار و جایگاه او را در پی دارد.^۳ با این همه، چنانچه اشخاص حقوقی دولتی متکفل اعمال تصدی - اعمال قابل تفویض به اشخاص خصوصی - شوند، از مسؤلیت کیفری مصون نمانده و مانند اشخاص حقوقی خصوصی و اشخاص عمومی غیردولتی^۴ به محاکمه کشیده می‌شوند. ماده (۳۹-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین قانونگذار فرانسه با همین دیدگاه به مسؤلیت این اشخاص رسمیت بخشیده است.^۵ در نظام حقوقی انگلستان نیز اشخاص حقوقی خصوصی عمومی که عهده‌دار خدمات قابل تفویضی همچون تولید خودرو، پست، درمان، حمل‌ونقل یا ساخت‌وسازند، از مسؤلیت کیفری فارغ نیستند. به عنوان مثال قانون قتل و آدمکشی شرکت‌ها،^۶ قتل غیرعمد ناشی از قصور اشخاص حقوقی عمومی را در غیر از اقدامات مرتبط با حاکمیت،^۷ مجرمانه تلقی و

۱. ماده (۲۲): «انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می‌شود که برای ارتکاب جرم به وجود آمده یا با انحراف از مصرف مشروع نخستین فعالیت خود را منحصرأ در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد».

2. Ibid

۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور، برنابولوک، حقوق جزای عمومی، جلد اول، مترجم. حسن دادبان، (تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۷)، ۵۰۶.

۴. اشخاص حقوقی عمومی غیردولتی مثل جهاد دانشگاهی، فدراسیون‌های ورزشی، بنیاد امور بیماری‌های خاص، کمیته مالی المپیک، شهرداری، بنیاد شهید، بنیاد مسکن، سازمان تأمین اجتماعی کمیته امداد امام، هلال احمر، بنیاد پانزده خرداد، سازمان تبلیغات اسلامی آن دسته‌ای هستند که به موجب قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۶۶ عهده‌دار خدمات عمومی گردیده‌اند. برای مطالعه بیشتر نک: رضا موسی‌زاده، حقوق اداری (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹)، ۸۰-۸۱.

۵. روح‌الامینی، پیشین، ۱۳۸-۱۴۰.

6. The Corporate Manslaughter And Homicid Corporate Act 2007.

۷. مثل اعمالی که به بازرسی‌های قانونی، سیاست اجتماعی و به طور کلی اعمالی که در انحصار دولت قرار دارد، مربوط می‌شود.

قابل مجازات - جزای نقدی - دانسته است.^۱ قانونگذار ایران نیز در تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی با بیان اینکه: «مجازات موضوع این ماده در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند اعمال نمی‌شود»، به مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی عمومی تصدی‌گر اعتقاد نشان داده است. در این تبصره، به جای تمرکز بر دولتی بودن یا نبودن شخص حقوقی، بر پایه خصیصه تصدی‌گری یا حاکمیتی به اثبات یا نفی مسؤلیت کیفری آن، حکم کرده است. در نتیجه، چنانچه شخص حقوقی حقوق عمومی دولتی در اثنای اعمال تصدی مرتکب جرم شود مسؤلیت کیفری دارد؛ همان طور که اگر شخص حقوقی غیردولتی اعمال حاکمیت کند،^۲ میرای از مسؤلیت کیفری خواهد بود. با این همه، عدم تصریح قانونگذار به عدم اعمال مجازات انحلال و مصادره اموال اشخاص مزبور ضعف بزرگی است که در مقررۀ مذکور مشاهده می‌شود. قانونگذار در بندهای (الف) تا (چ) ماده (۲۰) به ضمانت اجراهای هفت‌گانه‌ای قابل اعمال بر شخص حقوقی اشاره کرده است، بدون آنکه به تفکیک مشخص کند که کدامیک قابل اعمال بر اشخاص حقوقی خصوصی و کدامیک قابل اجرا در حق اشخاص حقوقی عمومی است.

آیا از اطلاق ماده (۲۰) می‌توان انحلال اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را برداشت کرد؟ با توجه به تحلیل مذکور و اینکه اشخاص مزبور به حکم قانون یا مقام‌های عالی - مانند دولت یا فرمان رهبری^۳ - به وجود آمده و یا منحل می‌شوند،^۴ پاسخ منفی است. به این ترتیب، اصلاح ماده مذکور و تبصره ذیل آن برای عدم مواجهه رویه قضایی با چالش، ضروری می‌نماید.

۲-۲. ممنوعیت از انجام فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی^۵

ضمانت اجرای دیگری که از سوی نظام‌های حقوقی متوجه اشخاص حقوقی شده است، تحدید دامنه فعالیت‌های آنهاست. این ضمانت اجرا در قیاس با انحلال از شدت کمتری برخوردار بوده و آثار زیانبار آن در حق دیگران محدودتر است. واکنش مزبور، آن‌دسته از فعالیت‌هایی را آماج خود قرار می‌دهد که جرم به مناسبت آنها ارتکاب یافته باشد یا اینکه

1. Cellia, Wells, corporate criminal Liability in France in: Corporate Criminal Liability, Edit by Mark Pieth and Radha Ivory (Springer, 2011), 100-101.

۲. هر چند اشخاص حقوقی غیردولتی اصولاً متکفل اعمال تصدی هستند، اما گاه ممکن است عهده‌دار امر حاکمیتی نیز باشند مثل کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری که با صدور آرای محکومیت در عمل اعمال حاکمیت می‌کند.

۳. مثل تأسیس مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی مصوب ۱۳۷۲/۷/۱۴ و تشکیل بنیاد تعاون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۲/۲۳.

۴. موسی‌زاده، پیشین، ۷۵-۷۸.

5. Prohibition of employment or social activities.

فعالیت‌های شخص حقوقی موجبات جرم را فراهم نموده باشد. بر این مبنا، احراز رابطه معنادار بین جرم ارتكابی و فعالیت‌های ممنوع، شرط اعمال چنین ضمانت اجرایی است. در کل می‌توان تعقیب هدف بازدارندگی خاص و عام و مهم‌تر از آن هدف ناتوان‌سازی را از جمله دلایل عمده نظام‌های کیفری در توسل به این واکنش دانست. این ضمانت اجرا می‌تواند ضعف مجازاتی چون جزای نقدی را در تقبیح فعالیت‌های خطرناک اشخاص حقوقی و انعکاس شدت جرایم ارتكابی، مرتفع کند. به علاوه، ضمانت اجرای مزبور این تصور را باطل می‌کند که جرایم در نزد اشخاص حقوقی به منزله کالاهای قابل خریدند. این تدبیر که مانند حبس برای اشخاص حقیقی است، زمانی اهمیت خود را آشکار می‌سازد که به اصلاح ساختار و سیستم جرم‌زای اشخاص حقوقی امید نباشد و اجرای آن برای مهار حالت خطرناک و جلوگیری از تکرار جرم آنها اجتناب‌ناپذیر باشد.^۱ در مقابل، تضعیف هدف اصلاحی ضمانت اجراهای کیفری و تسری اثرهای این قبیل محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها به اشخاصی چون خدمه، شرکا، سهامداران و استفاده‌کنندگان از محصولات و خدمات اشخاص حقوقی، از جمله کاستی‌های حاکم بر این ضمانت اجراست.

قانونگذار ایران در بند (ب) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی با پذیرش ضمانت اجرای مذکور - به عنوان مجازات درجه پنج - اشخاص حقوقی مجرم را مشمول برنامه‌ها و اقدام‌های توان‌گیر قرار داده است. سابق بر این نیز برخی دیگر از قوانین به چنین ضمانت اجرایی اشاره کرده‌اند که از میان آنها می‌توان به قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۳/۵/۸۸ (ماده ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات)^۲ و قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه مصوب ۱۳۶۸ اشاره کرد.^۳ در خور ذکر است،

1. Jessica Evans, corporate criminal liability For manslaughter, The Need For Reform To Combat work-place Death And Serious injury, Thesis; (MA) Murdoch university, 2002), 36-37.

۲. بند (الف) ماده ۷۴۷ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال» و طبق بند (ب) این ماده: «چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم شخص حقوقی متحل خواهد شد».

۳. برابر ماده (۶) این قانون: «چنانچه شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای مسافر و کالا بر حسب نوع فعالیت از اوراق مذکور در مواد (۲) و (۳) و (۴) و (۵) این قانون استفاده نمایند و یا مبادرت به استفاده از اوراق عادی به عنوان صورت وضعیت مسافری یا بارنامه بنمایند یا به طور غیرمجاز صورت وضعیت مسافری یا بارنامه تهیه و مورد استفاده قرار دهند یا مشخصات مسافر و محموله با اوراق مذکور مطابقت نداشته باشد و یا مندرجات آن را تکمیل ننمایند و یا اوراق مذکور در این قانون را به اشخاص دیگر و غیرمجاز واگذار نمایند متخلف محسوب و با رعایت شرایط و امکانات خالی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب و عطا، توبیخ و تهدید و پس از آن برای بار اول از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ جزای نقدی و برای بار دوم از ۵۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و برای بار سوم از ۱۰۰۰۰۰۰ ریال تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال جزای نقدی و تعطیلی از یک تا سه ماه (دستمزد کارکنان مؤسسه با شرکت در مدت تعطیلی به وسیله صاحب امتیاز پرداخت خواهد شد) و برای بار چهارم مجوز فعالیت مدیران و صاحبان امتیاز لغو و مجوز فعالیت مجدد در امر حمل و نقل برای آنها صادر نخواهد شد».

عبارت بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی دایر بر «ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال»، نه به انحلال می‌ماند که منجر به معدوم شدن شخص حقوقی گردد و نه به تعطیلی موقت که به توقف کل فعالیت‌های آن در مدتی محدود می‌انجامد. این شیوه در واقع، نوعی ناتوان‌سازی است که از طریق توقف برخی از فعالیت‌های شخص حقوقی دنبال می‌شود و این به آن معنی است که قانونگذار در عمل از ضمانت اجرای تعطیلی موقت استفاده نکرده است. حال آنکه رعایت سلسله مراتب بین ضمانت اجراها ایجاب می‌نمود از تعطیلی موقت در کنار انحلال نام برده می‌شد. چنان که در خصوص جرایم رایانه‌ای اشخاص حقوقی (بند الف و ب ماده ۷۴۰ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات) به این ضمانت اجرا تصریح شده است. ماده (۳۹-۱۳۱) مجموعه قانون کیفری نوین فرانسه نیز با تصریح به این ضمانت اجرا، مرز آن را از ضمانت اجرای ممنوعیت از انجام فعالیت‌های حرفه‌ای و شغلی جدا کرده است.^۱

۳-۲. ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه و ممنوعیت از اصدار برخی از

اسناد تجاری^۲

از جمله موضوع‌هایی که در اساسنامه اشخاص حقوقی چون شرکت‌های تجاری به منظور ارتقای توان مالی شخص حقوقی و افزودن بر جنبه مثبت دارایی مطمح نظر قرار می‌گیرد، افزایش سرمایه است. همچنین، شخص حقوقی به جای مراجعه به اشخاص ثالث می‌تواند از امکانات شرکا یعنی اندوخته‌های شرکت و سود تقسیم‌نشده یا مبلغ حاصل از اضافه ارزش سهام جدید برای تحقق این امر استفاده کند. سرانجام اینکه می‌تواند طلب خود از اشخاص را در قبال تخصیص سهام به آنها تهاتر کند.^۳ ممنوعیت شخص حقوقی چون شرکت سهامی عام در رجوع به مردم برای افزایش سرمایه، مجازات مستقیمی است که نظام‌های حقوقی از جمله ایران در قبال جرایم ارتكابی مد نظر قرار داده‌اند (بند ت ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی). این ضمانت اجرا با محدودسازی شخص حقوقی مجرم، از افزایش توان مالی و اقتصادی او جلوگیری می‌نماید. هر چند شایسته بود قانونگذار به تعلیق مجازات شخص حقوقی اشاره و از آن به عنوان شرط اصلاح خطامشی شخص حقوقی نام می‌برد. همچنین،

۱. برای مطالعه بیشتر نک: فرج‌اللهی، پیشین، ۱۵۸-۱۶۲.

2. Prohibited from inviting the public to Capital Increase and Ban On The Issuance Of Some Commercial Papers.

۳. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت: شرکت‌های تجاری (تهران: سمت، ۱۳۹۱)، ۲۵۱.

مقنن، ممنوعیت شخص حقوقی از فراخوان عمومی برای افزایش سرمایه را نه تنها برای دوره حداکثر پنج ساله که به طور دائم نیز تجویز کرده‌است؛ بدون آنکه ضابطه مناسب هر یک را مشخص کند. بدیهی است، محرومیت شخص حقوقی از افزایش دائمی سرمایه برای ارتکاب جرم خفیف، خاصه برای بار نخست، سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد. بایسته است ضمن اصلاح اشکال‌های مذکور، مقرر گردد که منع دائمی شخص حقوقی از رجوع به مردم برای افزایش سرمایه ناظر به موردی است که شخص حقوقی مرتکب جرم بسیار شدید یا تکرار جرم شده باشد.

ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری برای حداکثر پنج سال ضمانت اجرای دیگری است که قانونگذار به موجب بند (ت) ماده مذکور برای محدودسازی حقوق اشخاص حقوقی مجرم آن هم به عنوان واکنش اصلی در نظر گرفته است. با توجه به عدم تعیین مصداق‌های اسناد تجاری از سوی مقنن، بر عهده مقام قضایی است که تشخیص دهد شخص حقوقی مجرم شایسته محرومیت از صدور کدام سند تجاری است. بی‌تردید از جمله اسناد تجاری مرسوم و معمول مورد استفاده اشخاص حقوقی چک است که در ماده (۳۹-۱۳۲) مجموعه قانون جزای نوین فرانسه نیز ممنوعیت از صدور آن توسط شخص حقوقی متخلف برای حداکثر پنج سال پیش‌بینی شده است.^۱ ممنوعیت از صدور چک یا هر سند تجاری دیگر، ضمانت اجرای بازدارنده‌ای است که مانع اشخاص حقوقی نسبت به استفاده ابزاری آنها می‌شود. البته رویکرد قانونگذار نسبت به این ضمانت اجرا از دو جهت قابل نقد است: اول آنکه این ممنوعیت در برابر جرایم خفیف سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد؛ زیرا فعالیت اشخاص حقوقی به‌ویژه شرکت‌های تجاری را که با صدور اسناد تجاری عجین شده است، با چالش روبه‌رو می‌کند. مقرون به صواب آن است که چنین محرومیتی معطوف به جرایم مهم اشخاص حقوقی گردد. چنان‌که قانونگذار فرانسه ضمانت اجرای مزبور را در مورد جرایم خلافی اشخاص حقوقی قابل اجرا ندانسته است.^۲ دوم آنکه اطلاق ممنوعیت صدور اسناد تجاری مشمول همه فرض‌های صدور اعم از حالتی شده است که پرداخت وجه سند تضمین شده باشد یا اجازه برداشت پول از طریق مراجعه مستقیم صادرکننده سند به شعبه پرداخت‌کننده را می‌دهد. با توجه به اینکه در دو مورد اخیر سند صادره، بلامحل نیست و دارنده را با عدم وصول وجه آن مواجه نمی‌کند،^۳ ممنوعیت شخص حقوقی از صدور این شق

1. Kartin Deckret, Corporate Criminal Liability in France, 170.

2. Ibid.

۳. مگر اینکه استدلال شود که فلسفه ممنوعیت از صدور اسناد تجاری نه فقط برای حمایت از بزه‌دیده، بلکه به دلیل مجازات و سرزنش شخص مجرم نیز هست که در صورت اخیر، حتی اگر دارنده سند موفق به وصول مبلغ آن شود، ممنوعیت مورد بحث به قوت خود باقی است.

از اسناد منطقی به نظر نمی‌رسد. قانونگذار فرانسه (بند ۷ ماده ۳۹-۱۳۱ مجموعه قانون نوین کیفری)^۱ به همین دلیل، موردهای اخیر را از شمول ممنوعیت صدور چک خارج کرده است.^۲

۲-۴. انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها^۳

انتشار حکم محکومیت، ضمانت اجرایی است که اعتبار، شهرت و مقبولیت اشخاص حقوقی را هدف قرار می‌دهد و قبح رفتار مجرمانه آنها را به جامعه می‌شناساند. شهرت و اعتبار اجتماعی نزد اشخاص حقوقی موضوع حایز اهمیتی است. چنان که برای اعاده آن راهی جز اصلاح سیاست و خط‌مشی جرم‌زای خود ندارند. این ضمانت اجرا هم برای آن دسته از اشخاص حقوقی مناسب است که از دارایی کافی برای پرداخت جریمه نقدی برخوردار نیستند و هم برای اشخاص حقوقی ثروتمند؛ از آن جهت که قادر نباشند به جرم به عنوان کالای قابل خرید بنگرند. توضیح اینکه شرکت‌های ثروتمند چه بسا بتوانند جریمه نقدی را به سهولت بپردازند و با کاهش کیفیت و یا افزایش قیمت کالاها و خدمات آن را جبران اقدام کنند؛ اما هیچ‌گاه نخواهند توانست ارزش‌های غیرمالی و اعتبار منطقه‌ای، کشوری و یا جهانی خود را اعاده کنند که از طریق انتشار حکم محکومیت به چالش کشیده شده است. این تدبیر چنانچه در قالب تعلیق مجازات مشروط به اصلاح سیستم جرم‌زا و تغییر نگرش در سیاست‌ها و برنامه‌های اشخاص حقوقی قرار گیرد، شخص حقوقی را به رعایت مقررات، ضوابط، استانداردها و رفع مخاطرات ناشی از فعالیت‌های خطرناک وادار می‌کند. به عنوان مثال شرکت معتبری که محیط زیست را آلوده نموده است، برای مواجه نشدن با انتشار حکم محکومیت، حاضر خواهد شد تا نسبت به اصلاح سیستم آلاینده‌های خود اقدام نماید یا شرکت عظیمی چون ایران خودرو جهت حفظ اعتبار و شهرت ده‌ها ساله‌اش، برای عدم مواجه با انتشار حکم محکومیت، ناگزیر به اصلاح سیستم سوخت یا هر نوع نقص فنی دیگر می‌شود.

همچنین، این نوع ضمانت اجرا برای شرکت‌های فرعی وابسته به شرکت مادر از جهاتی مناسب‌تر از جزای نقدی به نظر می‌رسد؛ زیرا از یک‌سو، از تحمیل جریمه‌ای فراتر از توان مالی که آنها را در معرض ورشکستگی قرار می‌دهد، جلوگیری می‌کند^۴ و از سوی دیگر،

۱. ماده ۳۹-۱۳۱: «کیفرهای اشخاص حقوقی عبارت‌اند از ... ۷. ممنوعیت صدور چک، به جز چک‌هایی که اجازه برداشت پول با مراجعه مستقیم صادرکننده چک به شعبه پرداخت‌کننده را می‌دهد یا چک‌هایی که پرداخت آنها تضمین شده است.»

2. Ibid, 171.

3. Publish the conviction by media

۴. در خصوص گروه شرکت‌ها چنانچه جرم از سوی شرکت فرعی صورت گرفته باشد، مسأله این است که ضمانت اجرای جریمه نقدی بر مبنای توان مالی کدامیک از آنها اعمال شود. شرکت فرعی؟ شرکت مادر؟ یا گروه شرکت؟ چنانچه توان مالی شرکت فرعی ملاک یا تعیین جریمه باشد، چه بسا شرکت مادر و یا گروه شرکت‌ها از شرکت فرعی به عنوان ابزار

لطمه وارده به شهرت و اعتبار شخص حقوقی نه تنها شرکت فرعی، بلکه شرکت مادر را نیز در معرض تهدید قرار می‌دهد و آنها را وادار می‌سازد تا ضمن تصحیح برنامه‌های مغایر با قوانین خود، بر عملکرد شرکت‌های فرعی نظارت دقیق‌تری داشته باشند. بدیهی است این امر برای شرکت‌های چند ملیتی که نگران موقعیت و جایگاه بین‌المللی خود هستند؛ اهمیتی مضاعف خواهد داشت.^۱

به‌رغم محاسن برشمرده شده، معایبی نیز متوجه چنین ضمانت اجرایی است: از جمله اینکه، گاه لطمه‌ای که متعاقب اجرای این واکنش متوجه شهرت و جایگاه اجتماعی اشخاص حقوقی می‌شود چندان است که اصلاح فرهنگ سازمانی و رفع نواقص سیستمی هم نمی‌تواند اعتماد دوباره جامعه را به آنها برگرداند و سرانجام ورشکسته می‌شوند. حال چنانچه خدمات و محصولات این دسته از اشخاص حقوقی مورد استفاده کل جامعه باشد و رونق اقتصادی و تولید ملی را رقم زند، ورشکستگی ناشی از سلب اعتبار آنها چرخه تولید و رفاه اجتماعی را در معرض آسیب قرار می‌دهد. جهت پرهیز از این‌گونه عواقب، لازم است از حربه انتشار حکم محکومیت به صورت محدود و در مواردی استفاده شود که تکرار یا شدت جرم ارتكابی، دلالت بر درجه بالای خطر شخص حقوقی آن نماید. معلق نمودن اجرای چنین واکنشی به شرط اصلاح ساختار شخص حقوقی و جبران خسارت بزه‌دیده، می‌تواند از دامنه معایب آن بکاهد. ممکن است در نقدی دیگر گفته شود، پیامد ضمانت اجرای انتشار حکم محکومیت و عکس‌العمل اجتماع در قبال آن قابل سنجش و ارزیابی نیست. در مقابل این شبهه باید گفت، خدشه به اعتبار اشخاصی حقوقی به‌ویژه آنهایی که جایگاهی ممتاز در عرصه ملی و بین‌المللی دارند، موضوعی نیست که نتوان عمق آن را درک کرد. اطلاع رسانی پس از انتشار حکم محکومیت کاهش استقبال از خدمات و محصولات اشخاص حقوقی را در پی دارد. عامه مردم با قطع تعامل با اشخاص حقوقی ناقض قانون یا عدم خرید فراورده‌های متخلف پیام خود را نسبت به غیر قابل تحمل بودن رفتار آنها منعکس

۱. ارتکاب جرم استفاده کنند و سیاست‌های ناصواب خود را به پیش ببرند و چنانچه میزان جریمه بر مبنای منابع مالی شرکت مادر و یا گروه شرکت‌ها باشد ناقض اصل شخصی بودن مجازات‌هاست و اگر فراتر از توان مالی شرکت فرعی باشد، موجبات ورشکستگی او را فراهم می‌سازد. به نظر می‌رسد چنانچه شرکت فرعی صرفاً شعبه‌ای از شرکت مادر باشد و از استقلال برخوردار نباشد، به دلیل آنکه اقدامات آن تابع سیاست‌های شرکت مادر است، جریمه نقدی باید بر اساس منابع مالی شرکت مادر تعیین شود. بر عکس، چنانچه شرکت مزبور از استقلال کافی برخوردار باشد و صرفاً با شرکتی بزرگ‌تر یا با گروهی از شرکت‌ها تعامل و همکاری داشته باشد، دارایی مستقل او معیار مناسبی برای تعیین میزان جریمه است که در این صورت، چنانچه سیاست‌ها و خطمشی شرکت مادر یا گروه شرکت‌ها در رفتار مجرمانه شرکت فرعی مؤثر در مقام باشند، می‌تواند تحت عنوان معاونت در جرم تحت تعقیب قرار گیرند.

۱. وحید اشتیاق، «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی» (رساله دکترا، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۵)، ۲۶۱-۲۶۳.

می‌کنند.^۱ البته، از آنجا که ممکن است اشخاص حقوقی محکوم در اقدامی متقابل دست به تبلیغات گسترده نسبت به تولیدات و خدمات خود زنند و اثربخشی ضمانت اجرای انتشار حکم محکومیت را خنثی کنند. ضروری است، دادگاه ضمن صدور حکم محکومیت، شخص حقوقی محکوم را از هر نوع تبلیغ مغایر با مفاد حکم منع نماید.

قانونگذار ایران مانند دیگر نظام‌های حقوقی (ماده ۳۹-۱۳۱ مجموعه قانون جزای نوین فرانسه و قانون قتل و آدمکشی ۲۰۰۷ انگلستان)،^۲ در بند (چ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی از انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها با عنوان ضمانت اجرای اصلی یاد کرده است. البته در بند مزبور مشخص نشده که اگر دامنه فعالیت شخص حقوقی محدود به یک منطقه از کشور باشد، انتشار حکم از طریق رسانه محلی کفایت می‌کند یا ضرورت دارد گستره انتشار سراسری باشد. با توجه به اینکه از واژه رسانه به طور مطلق اسم برده شده است، به نظر می‌رسد انتخاب نوع رسانه حسب مورد به تشخیص دادگاه باشد. شایسته بود، التزام شخص حقوقی به انعکاس حکم محکومیت در گزارش سالانه برای آگاهی اعضا و سهامداران نیز مطمح نظر قرار می‌گرفت.

مطلب دیگر اینکه، از بیان قانونگذار در قبال ضمانت اجرای انتشار حکم محکومیت می‌توان سه گونه برداشت کرد: اول اینکه، قاضی می‌تواند صرفاً مجرمیت شخص حقوقی را منتشر کند، بدون آنکه مجازاتی برای آن در نظر گیرد. دوم آنکه قاضی می‌تواند انتشار حکم محکومیت شخص حقیقی را به عنوان مجازات شخص حقوقی لحاظ کند. سوم آن که چنانچه قاضی انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها را به عنوان مجازات شخص حقوقی مورد در تصمیم خود قرار دهد، ضروری است که آن را با یکی از مجازات‌های مقرر در بندهای (الف) تا (ح) ماده (۲۰) جمع نماید. بی‌پایه بودن نظر اول مبرهن است؛ چه، پیش از محکومیت، انتشار مجرمیت مفهومی ندارد. نظر دوم نیز منطقی نمی‌نماید زیرا، موضوع اصلی ماده مزبور مجازات شخصی حقوقی است نه شخص حقیقی. در نتیجه، دیدگاه سوم مقرون به صواب به نظر می‌رسد که براساس آن انتشار حکم محکومیت، مجازات مستقل و مضاعفی است که نسبت به شخص حقوقی به اجرا درمی‌آید.^۳

سرانجام اینکه قانونگذار بدون لحاظ درجه جرم شخص حقوقی، انتشار حکم محکومیت آن را برای مطلق جرایم ارتكابی پیش‌بینی کرده است. حال آنکه به جهت پیامد محسوس چنین ضمانت اجرایی، معقول آن بود که مبنای اعمال چنین واکنشی، تکرار جرم یا شدت آن

۱. همان.

2. Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007, slo (1).

۳. محمد مصدق، «شرح و تفسیر مواد مرتبط با مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی»، ماهنامه دادرسی ۹۸ (۱۳۹۲)، ۷.

باشد.^۱ یادآور می‌شود، قانونگذار فرانسه (ماده ۳۹-۱۳۱ مجموعه قانون کیفری نوین) جرایم خلافی اشخاص حقوقی را از شمول انتشار خارج ساخته است.^۲

۳. خلأهای تقنینی

چنان‌که مشاهده شد، قانونگذار تلاش نموده است، به اعتبار ماهیت خاص اشخاص حقوقی و گونه‌های آنها، به ضمانت‌اجراهای قابل اجرا در حق آنها، تنوع نسبی بخشد.^۳ با این وجود، مقررۀ مزبور به دلیل عدم اعتنا به ضمانت‌اجراهای ذیل از جامعیت کافی برخوردار نیست.

۳-۱. مراقبت قضایی^۴

تعلیل شد که از مهم‌ترین دلایل مخالفان جواز مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی عدم امکان اصلاح آنها به دلیل تصنعی بودنشان است. به گمان آنها، اصلاح و تربیت بر پایه احساس مسؤولیت استوار است و احساس مسؤولیت نیز صفت انحصاری اشخاص حقیقی است،^۵ نه اشخاص حقوقی که عاری از هر گونه احساس و اراده‌اند. ناگفته نماند، علاوه بر مخالفان مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی، آن دسته از موافقانی نیز که غایت مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی را تأمین هدف بازدارندگی می‌دانند، اعتقادی به اصلاح و تربیت این اشخاص ندارند. از نظر آنها، چون اشخاص حقوقی از طریق ارگان‌های خود - مدیران تصمیم‌گیر - امکان انتخاب

۱. کما اینکه در قوانین موردی نیز به این نکته اشاره شده است که به عنوان مثال ماده (۱) قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب ۱۳۶۷ که به جرم ایجاد مؤسسات پزشکی غیرمجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت اشاره کرده است؛ اعلان نام در جراید را برای مرتبۀ دوم ضروری دانسته است.

۲. فرج‌اللهی، پیشین، ۱۵۵-۱۵۶.

۳. گفتنی است، ضمانت‌اجراهای پیش‌بینی شده در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نسبت به نسخه‌ای که قبلاً به عنوان لایحه تقدیم مجلس شورای اسلامی شده بود، از تعدد و تکرار بیشتری برخوردار است. در نسخه اولیۀ تقدیمی صرفاً یک ماده (۶-۱۱۳) با عبارت «مجازات‌های مالی و محرومیت از حقوق قابل تسری به اشخاص حقوقی است، به این معنا که جرایم ارتكابی به وسیله سازمان‌ها و نمایندگان آنها در راستای احراز نمایندگی و وظایف مربوطه انجام گرفته است، به حساب شخص حقوقی گذاشته خواهد شد و ترتیب، مقدار و نحوه اجرای آن را قانون مشخص می‌کند، مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی نافی مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب یا معاون نمی‌باشد». (مجلس شورای اسلامی دورۀ هشتم، لایحه مجازات اسلامی، اداره کل قوانین، شماره ثبت ۱۳۷، شماره چاپ ۸۱۵، مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۱).

4. Judicial care.

۵. مدافعان نظریۀ اصلاح و بازپروری، با احترام به قدرت اخلاقی مجرمان تحت درمان و تحت نظارت و توجه به نیازهای روانی و جامعه مجرمان قائل به باز اجتماعی شدن آنها هستند و برای تحقق این منظور استفاده از روش‌های تحقیقی، علمی و کارشناسی شده و اجرای برنامه‌های بازپرورانه را امری ضروری و مؤثر در مقام می‌دانند. ر.ک: منصور رحمدل، تناسبات جرم و مجازات (تهران: سمت، ۱۳۸۹)، ۳۳-۳۴.

جرم بر پایه ریسک محاسبه شده دارند، در مواجهه با مجازات‌های محاسبه شده، از ارتکاب آن منصرف می‌شوند.^۱ در رویکردی مخالف، موافقان اصلاح اشخاص حقوقی معتقدند که تفاوت ماهوی اشخاص حقوقی با اشخاص حقیقی به معنای عدم امکان اصلاح آنها نیست؛ بلکه تنها به این معناست که شیوه اصلاح این اشخاص متفاوت و مخصوص به خود است. گماردن ناظر یا قیم برگزیده دادگاه در نهادها و ارگان‌های اشخاص حقوقی که قدرت هدایت رفتار اشخاص حقوقی متخلف را داشته باشد، راه را برای اصلاح آنها هموار می‌نماید.^۲ به علاوه، الحاق ضمانت اجراهای دیگری چون انتشار حکم محکومیت و اصلاح سیستم جرم‌زا^۳ - خاصه در پرتوی تعلیق مراقبتی^۴ - به ضمانت اجرای مزبور، به افزایش ضریب اصلاح اشخاص حقوقی می‌انجامد. همچنین، اگر تعلیق مجازات شخص حقوقی متوقف بر اجبار به استفاده از کارشناسان، مدیران متخصص و متبحر و متخصصان امر سلامت، ایمنی، صنعت، محیط زیست و امثال آنها باشد، مراقبت قضایی را اثربخش‌تر می‌نماید. این تدابیر خواهد توانست فرهنگ شخص حقوقی را به گونه‌ای اصلاح نماید که به محو سیاست و رویه جرم‌زای آن منجر، و آنها را به شهروندانی قانون‌وار تبدیل کند. درخصوص مدت مراقبت قضایی هم باید عنوان داشت که این مدت نمی‌تواند از مدت تعلیق مجازات شخص حقوقی فراتر رود.

آخر اینکه، با وجود وضوح اهمیت مراقبت قضایی در کنترل رفتار اشخاص حقوقی و برخلاف استقبال بسیاری از نظام‌های کیفری نسبت به آن - مانند انگلستان^۵ - معلوم نیست؛ چرا قانون مجازات اسلامی نسبت چنین ضمانت اجرای اصلاح‌مدار و بازدارنده‌ای، موضع سکوت و بی‌اعتنایی اختیار کرده است؟ ویژگی‌های مثبت این ضمانت اجرا در ساماندهی خطامشی اشخاص حقوقی، ضرورت اصلاح قانون و پذیرش آن را ایجاب می‌نماید.

۲-۳. خدمت اجتماعی^۶

خدمت اجتماعی یا کار به نفع جامعه که با نام کار جزایی^۷ به ادبیات سیاست

1. Evans, corporate criminal liability for manslaughter, 37.

۲. اردبیلی، پیشین، ۲۲.

3. Probation

4. Reformation of maker - crime

5. Corporate Manslaughter an corporate Homicide Act 2007 www.legislation.gov.uk/ukpga/2007/19/contents.

6. Community Service

7. Penal work

کیفری ورود پیدا کرد، ضمانت اجرایی است که نخست به هدف جایگزینی با زندان کوتاه مدت به خدمت گرفته شد. زندانی که بنا به دلایل عدیده‌ای چون جرم‌زا بودن، تبدیل مجرمین اتفاقی به مجرمین دائمی، تحمیل هزینه سنگین بر اقتصاد کشور، عدم فرصت کافی برای اجرای برنامه‌های اصلاحی، سلب موقعیت اجتماعی و شغلی محکومین، تحمیل آثار سوء بر خانواده زندانی، توسعه بیماری‌های واگیردار، اعتیاد، جرایم جنسی در محیط زندان، ناکارآمدی خود را به اثبات رسانده بود. به این ترتیب، جایگزین‌هایی چون خدمت اجتماعی راهکاری شد برای پرهیز از عواقب دردناک این نوع زندان‌ها و اعطای فرصتی دوباره به محکوم جهت جبران مافات، بدون اینکه فعالیت اجتماعی و نظام خانوادگی او دچار اختلال شود. نظام جایگزین‌ها ابتدا در کشورهای مختلفی از جمله فرانسه، سوئد، دانمارک، انگلستان در مورد جرایم سبک، غیرعمد و خاصه جرایم جوانان در بوتۀ آزمایش قرار گرفت و سپس از سوی سایر نظام‌های حقوقی مورد استقبال قرار گرفت.^۱

تسری ضمانت اجرای خدمت اجتماعی به اشخاص حقوقی مجرم از دیگر نوآوری‌های نظام‌های حقوقی در جهت توسعه ضمانت اجراهای قابل انطباق بر ساختار این اشخاص به شمار می‌رود. به طور کلی می‌توان گفت این ضمانت اجرا موقعیت مناسبی را در اختیار مقام قضایی قرار می‌دهد تا فراتر از ترمیم خسارت بزه‌دیدگان بالفعل، به حمایت از بزه‌دیدگان بالقوه پرداخته و منافع کل اجتماع را تضمین کند؛ بدون آنکه در تحقق این مهم هزینه‌ای به دولت و اقتصاد کشور تحمیل شود. هدایت یک شرکت حمل‌ونقل مجرم به خدمات‌دهی به دانش‌آموزان بی‌بضاعت، سوق دادن یک مؤسسه فرهنگی، تحقیقاتی ناقض قانون به انجام فعالیت‌های پژوهشی مورد نیاز جامعه، برقراری کلاس آموزش راهنمایی و رانندگی رایگان از سوی آموزشگاه‌های متخلف، ساختن خوابگاه مورد نیاز دانشجویان از ناحیه شرکت‌های ساختمانی متقلب، اجبار شرکت‌های خودروسازی متخلف به رعایت استانداردها و ایمن نمودن خودروهای تولیدی و نیز عرضه آنها با قیمت مناسب و یا ارائه خدمات پزشکی و درمانی رایگان به بیماران بی‌بضاعت از طرف مؤسسه‌های درمانی مجرم از نمونه خدمات‌های اجتماعی‌اند که می‌توانند به موقع اجرا گذاشته شوند. البته در نظر گرفتن توان مالی شخص حقوقی و مرتبط ساختن تخصص و مهارت آن با نوع خدمت اجتماعی

۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز در فصل نهم از کتاب اول خود (مواد عمومی) در مواد ۶۴-۸۷ به این مهم پرداخته است.

۲. صلاحی، پیشین، ۱۴۳-۱۴۶.

حایز اهمیت است. همچنین، کاهش تسری آثار منفی دیگر ضمانت اجراهایی چون انحلال، مصادره اموال و جزای نقدی بر اشخاص ثالث، استفاده از ضمانت اجرای خدمت اجتماعی را بیش از پیش موجه می‌نماید. این ضمانت اجرا فرصتی را در اختیار شخص حقوقی خاطی قرار می‌دهد تا با اجرای دقیق برنامه خدمت اجتماعی در دوره تعلیق مراقبتی، از اجرا شدن مجازات معلق در حق خود جلوگیری کند. این سیاست نه تنها باعث بیکاری و آوارگی خدمه شخص حقوقی نمی‌شود، بلکه آنها را مشغول انجام پروژه مورد نظر دادگاه می‌کند. سرانجام، این ضمانت اجرا فرصتی است در اختیار جامعه تا دیدگاه خود را دایر بر غیر قابل تحمل بودن جرایم اشخاص حقوقی منعکس کند.

ویژگی‌های فوق موجب گردیده تا نظام‌های حقوقی بتدریج رغبت خود را نسبت به پذیرش خدمت اجتماعی به عنوان ضمانت اجرایی کارآمد نشان دهند. چنان که ایالات متحده امریکا از دهه‌های پیش، استفاده از این سازوکار را در دستور کار خود قرار داده است.^۱ قانون مجازات اسلامی ایران به‌رغم تنوعی که به نظام ضمانت اجراهای جرایم اشخاص حقوقی داده است، با عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای خدمت اجتماعی، یکی از مؤثرترین زمینه‌های ترمیم خسارت بزه‌دیدگان و تأمین دفاع اجتماعی را از دست داده است.

۳-۳. محرومیت از انجام معاملات دولتی به طور موقت یا دائم^۲

اهمیت قراردادهای دولتی از آن سوست که آثار آن متوجه کل جامعه است. این مهم، ایجاب می‌نماید که آن دسته از اشخاص حقوقی طرف قرارداد با دولت قرار گیرند که پای‌بندی خود را نسبت به مقررات و هنجارهای اجتماعی اثبات کرده باشند. برای تضمین این امر، نظام‌های حقوقی محرومیت اشخاص حقوقی متخلف از انعقاد قرارداد با دولت را به عنوان ضمانت اجرای اصلی در دستور کار خود قرار داده‌اند. چنان که ماده (۳۴-۱۳۱) قانون مجازات فرانسه - ناظر به ماده (۴۸-۱۳۱) - مقرر می‌دارد: «محرومیت از انعقاد قراردادهای عمومی عبارت است از منع شرکت مستقیم یا غیرمستقیم در انعقاد هر نوع قراردادی است که طرف قرارداد، دولت یا مؤسسات عمومی و ادارات تابع آنهاست و نیز معاملاتی را که مؤسسات دولتی انجام آنها را به غیر واگذار کرده‌اند یا تحت نظارت دولت و مؤسسات عمومی و تشکل‌های

1. Ved p Nanda, *corporate criminal Liability in the united state: Is a New Approach warranted in Corporate Criminal Liability*, Radha, corporate criminal liability, Edit by Mark Pieth and Radha Ivory (Springer, 2011), 61-69 .

2. Temporary or Premanent Deprivation of Governmental Transactions.

زیر مجموعه آنها انجام می‌شوند، در برمی‌گیرد». با این توصیف، اشخاصی که به مجازات مذکور محکوم می‌شوند، مجاز نیستند با اشخاص حقوقی حقوق عمومی وارد معامله شوند و یا حتی با اشخاص حقوقی دیگر در معاملات عمومی شرکت کند و یا با مشارکت اشخاص حقوقی یا اشخاص حقوقی خصوصی قرارداد منعقد کنند.^۱ همچنین محکومیت شخص حقوقی پس از قرارداد نیز مانع اجرای آن می‌گردد. مگر آنکه قبل از قطعیت حکم اجرا شده باشد که در این صورت بر محکومیت مزبور اثر حقوقی مترتب نیست. در رابطه با اینکه آیا دولت و مؤسسه‌های دولتی باید قبل از انعقاد قرارداد یا قبل از اجرای آن، سابقه شخص حقوقی طرف قرارداد را بررسی کنند یا نه، نظام‌های حقوقی چون فرانسه چنین تکلیفی را به ارگان‌های مذکور تحمیل نکرده‌اند؛ اما در صورت انعقاد قرارداد و روشن شدن سابقه مجرمانه شخص حقوقی، حق فسخ معامله برای دولت و مؤسسه‌های دولتی محفوظ و شخص حقوقی طرف قرارداد به جبران زیان محکوم می‌شود.^۲ محدودسازی حوزه فعالیت اشخاص حقوقی از جمله ممنوعیت آنها از معامله با دولت حاوی پیامد مثبت از این جهت است که هدف ناتوان‌سازی ضمانت اجرای کیفری را محقق می‌سازد. البته این سخن به معنای عاری از نقض بودن ضمانت اجرای مزبور نیست. عدم تأمین هدف اصلاحی و تبعات منفی این واکنش نسبت به افراد بی‌گناهی چون خدمه، سهامداران و استفاده‌کنندگان محصولات و خدمات شخص حقوقی، جزو نقیصه‌های آن محسوب می‌شود. با این وجود، دفاع از منافع کلان جامعه ضرورت این ضمانت اجرا را توجیه می‌کند.

قانونگذار ایران در میان ضمانت‌های مندرج در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به این‌گونه ضمانت اجرا نکرده است. با تعلیلی که نسبت به اهمیت این واکنش انجام گرفت، تغییر موضع مقنن و پذیرش آن مقرون به واقع به نظر می‌رسد.

۳-۴. تعطیلی موقت^۳

هنگامی که فعالیت مجرمانه شخص حقوقی نه آن‌چنان شدید و نظام‌مند است که انحلال آن را توجیه کند و نه آن‌چنان خفیف و کم‌خطر که ادامه فعالیت آن برای مدتی به صلاح جامعه باشد، تعطیلی موقت، ضمانت اجرای مناسبی است که از سوی برخی از نظام‌های حقوقی مورد اقبال قرار گرفته است. چنان‌که بند چهارم از ماده (۳۹-۱۳۱) مجموعه قانون

۱. فرج‌اللهی، پیشین، ۱۶۶.

۲. همان.

3. Temporary Closures.

کیفری نوین فرانسه و بندهای (الف) و (ب) ماده (۷۴۸) قانون مجازات اسلامی ایران (تعزیرات)^۱ - در قبال جرایم رایانه‌ای - و دیگر قوانین موردی نظیر ماده (۲) قانون حمل و نقل و مبادله محصولات و مرسولات پستی وزارت پست و تلگراف و تلفن توسط مؤسسات و شرکت‌های خصوصی مصوب ۱۳۶۰، ماده (۶) قانون الزام شرکت‌ها و مؤسسات ترابری جاده‌ای به استفاده از صورت وضعیت مسافری و بارنامه ۱۳۶۸ و ماده یک قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ به ضمانت اجرای مذکور اشاره کرده‌اند.

بر خلاف مصادره اموال که متضمن منفعت مالی برای دولت است، تعطیلی موقت نفعی به دولت نمی‌رساند. در مقابل، شخص حقوقی متخلف را از تولید ثروت و کسب درآمد محروم می‌کند و به این شکل از منفعت‌های اجتماع صیانت می‌نماید. آنجا که سایر ضمانت اجراها به‌ویژه جزای نقدی قادر به توقف روند مجرمانه شخص حقوقی نباشد و از طرفی در شأن دولت نباشد که از ثروت نامشروع حاصل شده از جرایم اشخاص حقوقی برداشت نموده و به خزانه عمومی واریز کند، تعطیلی موقت آن، گزینه مناسبی خواهد بود. همان‌طور که اگر فعالیت مجرمانه، سیاست ثابت و خط‌مشی لایتنجیر شخص حقوقی باشد، گزینه مناسب‌تر، انحلال آن است.^۲

ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی در مقام معرفی ضمانت اجرای جرایم اشخاص حقوقی، در کنار انحلال (بند الف) به ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال اشاره کرده است. چنان‌که در سطور قبل تحلیل شد، به نظر نمی‌رسد بتوان از مندرجات بند اخیر، حکم تعطیلی موقت شخص حقوقی را استخراج نمود؛ همان‌طور که از اشاره به توقف دائمی یک یا چند فعالیت شخص حقوقی نمی‌توان انحلال آن را برداشت نمود. زیرا در بند (الف) به این ضمانت اجرا تصریح شده است و تکرار آن در بند (پ) عبث به نظر می‌رسد. به این ترتیب می‌توان گفت، منظور قانونگذار از ممنوعیت مورد ذکر، توقف بخشی از فعالیت شخص حقوقی - اعم از یک یا چند فعالیت - و نه تعطیلی موقت مجموعه شخص حقوقی است که در این صورت، عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای مزبور خلأ مهمی در قانون مجازات اسلامی به شمار می‌رود.

۱. بند (الف) این ماده اشعار می‌دارد: «چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد. تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال». بند (ب) نیز بیان می‌دارد: «چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد».

۲. وحید اشتیاق، پیشین، ۳۵۷-۳۵۸.

۳-۵. ضمانت اجرای تکمیلی^۱

ضمانت‌های اجرایی چون منع اصدار اسناد تجاری یا انتشار حکم محکومیت که در ماده (۲۳) قانون مجازات اسلامی با عنوان مجازات تکمیلی جرایم اشخاص حقیقی معرفی شده‌اند، از سوی ماده (۲۰) قانون مزبور به عنوان ضمانت اجرای اصلی جرایم اشخاص حقوقی تلقی گردیده‌اند. این امر مؤید نامقبول بودن جرایم اشخاص حقوقی و مبین تلاش قانونگذار در دستیابی به ضمانت‌های اجرایی مناسب با طبع اشخاص حقوقی است. با این وجود، تنوع اشخاص حقوقی و پیچیدگی حاکم بر ساختار آنها ایجاب می‌کند که به ضمانت‌های اجرایی اصلی بسنده نشود و از ضمانت‌های تکمیلی نیز در راستای تأمین منافع اجتماعی، بازدارندگی و اصلاح فرهنگ سازمانی شخص حقوقی استفاده شود. به این ترتیب، ضمانت‌های تکمیلی می‌تواند رهیافت مناسبی برای تناسب هر چه بیشتر بین ضمانت‌های اجرا و ساختار اشخاص حقوقی به شمار رود (اصل شخصی کردن ضمانت‌های اجرا).

موضع قانونگذار ایران در خصوص ضمانت‌های موضوع مواد (۲۰) و (۲۳) قانون مجازات اسلامی که به ترتیب پیرامون مجازات اصلی جرایم اشخاص حقوقی و مجازات تکمیلی اشخاص حقیقی است، قابل انتقاد به نظر می‌رسد. چراکه از یک سو ضمانت‌های اجرایی مندرج در ماده (۲۰) فاقد تکرر و تنوع کافی است و مواردی چون مراقبت قضایی و خدمت اجتماعی را در بر نمی‌گیرد و از سوی دیگر، ضمانت‌های مندرج در ماده (۲۳) که موارد اخیر اشاره کرده است، با توجه استعمال واژه «فرد» به جای «شخص»^۲ - صدر ماده مزبور - ویژه جرایم اشخاص حقیقی است و در حق اشخاص حقوقی قابلیت اجرا ندارد. بنابراین شایسته این است که یا بر تنوع ضمانت‌های اصلی افزوده شود چنان‌که بتوان از میان آنها گزینه یا گزینه‌های مناسب را برای اعمال نسبت به اشخاص حقوقی مجرم یافت و یا با پیش‌بینی ضمانت‌های تکمیلی، دست قاضی را برای رفع این نقیصه بازگذارد.

۳-۶. معاونت اشخاص حقوقی در جرایم شرعی

موضوع در خور اشاره دیگر، عدم امکان انتساب مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی در قبال جرایم شرعی مستحق حدود و قصاص در قالب مباشرت است. ماهیت برخی از جرایم مثل زنا، شرب خمر و قذف به گونه‌ای است که فقط از سوی اشخاص حقیقی قبل ارتکاب‌اند. در حالی که عدم انتساب قتل عمد و محاربه و افساد فی الارض

1. Supplementary Sanctions

۲. برابر این ماده: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتکابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: د - الزام به خدمت عمومی.»

به اشخاص حقوقی نه به دلیل عدم امکان ارتکاب از سوی اشخاص حقوقی، بلکه به دلیل عدم امکان اعمال مجازات آنها - قصاص و شلاق - نسبت به این اشخاص است. چنان که هر شخص حقوقی قادر است با رفتاری چون عرضه خون‌های آلوده و با قصد سلب حیات، مرتکب قتل عمد شود. یا با ارتکاب جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک و دایر کردن مراکز فساد و فحشا به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمد به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی یا سلب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع شود، مفسد فی الارض محسوب شود. با این همه، جنس مجازات این جرایم و ثابت بودن آنها از حیث شرعی، مانع تحمیل مسؤولیت کیفری بر شخص حقوقی می‌گردد. در این حالت، بار مسؤولیت کیفری را شخص یا اشخاص حقیقی مقصر به دوش خواهند کشید. با این وجود می‌توان در تمام این فرض‌ها حتی در مورد ارتکاب زنا و شرب‌خمر، معاونت اشخاص حقوقی را متصور شد و از این منظر به مسؤولیت آنها نگریم؛ زیرا معاونت در جرایم شرعی، تعزیر محسوب می‌شود و به این اعتبار می‌توان مسؤولیت کیفری را به شخص حقوقی منتسب کرد. قانونگذار جز تعزیری تلقی کردن ضمانت اجرای موضوع ماده (۲۰) هیچ بیان دیگری ندارد و پیرامون فروض مزبور هیچ تفکیکی را قایل نشده است. با این وضع باید انتظار داشت محاکم قضایی در این حوزه با چالش تصمیم‌گیری روبه‌رو شوند و به‌رغم احراز تقصیر بسیاری از اشخاص حقوقی قادر به محکوم کردن آنها نشوند.

نتیجه‌گیری

اقدام قانون مجازات اسلامی در پذیرش مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی به نحو فراگیر و قراردادن آنها در جرگه تابعان حقوق کیفری (ماده ۱۴۳) و نیز تنوعی که به ضمانت اجرای کیفری جرایم این اشخاص بخشیده است (ماده ۲۰) درخور تمجید است. حضور گونه‌های اشخاص حقوقی در بُعدهای مختلف صنعتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، هر چند منجر به رشد، شکوفایی و تکامل جامعه گردیده است؛ در عین حال منشأ خطرها، حادثه‌ها و بلکه فاجعه‌ها نیز برای بشریت بوده‌اند. ناکارآمدی ضمانت اجرای غیرکیفری در مهار فعالیت‌های خطرناک اشخاص حقوقی، نظام‌های حقوقی از جمله ایران را به پذیرش مسؤولیت کیفری آنها ناگزیر ساخته است. قانونگذار قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی به صورت موردی و پراکنده

به مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی اشاره کرده بود؛ اما کنترل بهینه رفتار مجرمانه اشخاص حقوقی پذیرش مسؤولیت کیفری آنها را به صورت یک قاعده (ماده ۱۴۳) و بهره‌گیری از ضمانت اجراهای معتناهی چون انحلال، مصادره کل اموال، ممنوعیت از فعالیت شغلی یا اجتماعی، ممنوعیت از افزایش سرمایه، ممنوعیت از صدور برخی اسناد تجاری، جزای نقدی و انتشار حکم محکومیت را ایجاب نمود. با این وجود، سیاست کیفری قانونگذار در تدوین ضمانت اجراهای کیفری اشخاص حقوقی، با نارسایی‌های لازم به رفع زیر روبه‌روست:

۱. با وجود ضمانت اجرای انحلال (بند الف ماده ۲۰)، پیش‌بینی ضمانت اجرای مصادره اموال (بند ب ماده مزبور) ناصواب به نظر می‌رسد؛ زیرا در اجرای مصادره کل اموال، سهامداران، شرکا و طلبکاران شخص حقوقی متضرر می‌گردند. حال آنکه در اجرای انحلال، اموال و دارایی شخص حقوقی بین آنها تقسیم می‌شود.

۲. در حالی که در نظام‌های حقوقی چون فرانسه به مصادره اموال استفاده شده یا تهیه شده یا حاصل از جرم شخص حقوقی (مصادره خاص) تصریح شده است، ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی در این خصوص تصریحی ندارد. هر چند استخراج این حکم از طریق رجوع به مواد عمومی قانون مزبور (تبصره ماده ۱۹ و ماده ۲۱۵) غیرممکن نیست، قید آن در میان ضمانت اجراهای قابل اعمال بر شخص حقوقی و جایگزینی آن به جای ضمانت اجرای مصادره کل اموال جهت رفع هرگونه شبهه ضروری به نظر می‌رسد.

۳. قانونگذار بدون اشاره به ضمانت اجرای تعطیلی موقت مستقیماً به ضمانت اجرای انحلال توجه کرده است. در حالی که لحاظ سلسه مراتب بین ضمانت اجراها ایجاب می‌نماید که به تعطیلی موقت اشاره شود. اشاره بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی به ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی شخص حقوقی نیز ناظر به توقف بخشی از فعالیت شخص حقوقی و نه کل آن است. ضمانت اجرای تعطیلی موقت آنجا اهمیت خود را نشان می‌دهد که انحلال شخص حقوقی به صلاح نیست و در عین حال عدم ادامه فعالیت آن برای مدتی به نفع جامعه است.

۴. اشاره به ممنوعیت از صدور برخی از اسناد تجاری (بند ث ماده ۲۰) به عنوان یکی دیگر از ضمانت اجراها، بدون وجود معیاری از قبیل تکرار یا اهمیت جرم، ناصواب به نظر می‌رسد. از آنجا که صدور اسناد تجاری چون چک برای انجام امور مالی شرکت‌های تجاری اهمیتی بسزا و حیاتی دارد، ممنوعیت صدور آن در قبال جرایم کم اهمیت سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد. چندان که قانونگذار فرانسه نیز ممنوعیت مزبور را مشمول جرایم خلافی نکرده است.^۱

۱. ماده ۳۹-۱۳۱ مجموعه قانون کیفری نوین.

۵. الزام به انجام خدمات اجتماعی از جمله ضمانت‌های اجرایی است که مطمح نظر قانونگذار قرار نگرفته است. با توجه به ویژگی‌های مثبتی که از این ضمانت اجرا ذکر شد، اصلاح قانون و پذیرش این راهکار مهم به نظر می‌رسد.

۶. تحت مراقبت قضایی قرار گرفتن شخص حقوقی جهت نیل به هدف اصلاح و بازپروری و انطباق برنامه‌ها و سیاست شخص حقوقی با قوانین و استانداردها از دیگر ضمانت‌های اجرایی کارآمدی است که در میان ضمانت‌های مذکور در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی جایگاهی ندارد. اصلاح این مقرر و درج این ضمانت اجرا در آن به‌ویژه در پوشش تعلیق مراقبتی به اثربخشی آن کمک شایانی خواهد کرد.

۷. معیاری که در تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی برای محاسبه جرمه نقدی اشخاص حقوقی بیان گردیده است - حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین شده - جامعیت نداشته و در برابر اشخاص حقوقی ثروتمند و صاحب گردش مالی بالا تأثیری ناچیز دارد. مقرون به واقع آن است که براساس متوسط گردش مالی - مانند پنج درصد سه سال قبل ارتکاب جرم - دست به تعیین میزان جرمه زد.

۸. در تبصره ماده (۲۰) تکلیف حالتی که اساساً برای جرم ارتكابی - مثل خیانت در امانت - جرمه نقدی برای شخص حقیقی در نظر گرفته نشده است، مشخص نگردیده که در این خصوص نیز اصلاح این تبصره واجد اهمیت است. برای برون‌رفعی از این نقص دو راه وجود دارد: پیش‌بینی جزای نقدی مستقل برای این حالت (مانند حقوق فرانسه که تا یک میلیون یورو را در نظر گرفته است) یا توسل به معیار مذکور (براساس گردش مالی و لحاظ درصدی از درآمد شخص حقوقی). راهکار نخست برای اشخاص حقوقی غیرانتفاعی و راهکار دوم برای اشخاص حقوقی تجاری و انتفاعی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۹. مفهوم مخالف تبصره ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی که اعمال ضمانت‌های اجرایی موضوع ماده مزبور را در حق مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی حقوق عمومی دولتی و غیردولتی تصدیق می‌داند، نشان از واقع‌گرایی و عدالت قانونگذار در برابر انگاشتن انواع اشخاص حقوقی در پیشگاه قانون دارد. با این حال باید پرسید چگونه می‌توان بند (الف) ماده مورد بحث دایره بر انحلال را در مورد اشخاص دولتی و عمومی به اجرا گذارد؟ مگر می‌توان وزارتخانه‌ای را منحل کرد یا به حیات سازمانی چون شهرداری پایان داد؟ در این صورت تکلیف خدمات عمومی آنها به آحاد افراد جامعه چه می‌شود؟ از آنجا که بعید است قانونگذار در تنظیم تبصره این ماده چنین منظوری داشته باشد، اصلاح آن، خالی از اهمیت نیست.

۱۰. هر چند ارتکاب برخی از جرایم شرعی چون زنا خاص اشخاص حقیقی است و یا مجازاتی چون قصاص قابل اعمال در حق انسان هاست. با این وجود با توجه به تعزیری بودن معاونت در این نوع جرایم می‌توان برای اشخاص حقوقی با عنوان مزبور قائل به مسؤولیت کیفری بود و از این نظر دست به اصلاح قانون زد.

منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی. جلد اول و دوم. تهران: نشر میزان، چاپ بیست‌وهشتم، ۱۳۹۲.
۲. استون، سوزان و کریستین پیپر. «کیفرشناسی نوین و سیاست‌های تازه». ترجمه فیروز محمودی جانکی و رسول عابد. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۰ (۱۳۹۰)، ۱۷۱.
۳. استفانی، گاستون، ژرژ لواسور و برنارو بولوک. حقوق جزای عمومی. ترجمه حسن دادبان. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۴. اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری. جلد دوم. تهران: سمت، چاپ چهاردهم، ۱۳۹۱.
۵. اشتیاق، وحید. «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی». رساله دکترا، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۵.
۶. امید، جلیل. «مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی: سابقه، دیدگاه‌ها و انعکاس در قوانین کشورهای اسلامی»، ضمیمه مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی ۵۶ (۱۳۹۰): ۲۳۱-۲۵۴.
۷. الهام، غلامحسین و محسن برهانی. درآمدی بر حقوق جزای عمومی، واکنش در برابر جرم. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.
۸. حسنی، محمدحسن. «مطالعه تطبیقی مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در جرایم قتل و صدمات بدنی در حقوق کیفری انگلستان و ایران». مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشکده شهید بهشتی ۴ (۱۳۹۰): ۱۰۷-۱۴۶.
۹. دلیر، حمید. حقوق مصادره. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد. بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. تهران: دادگستر، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۱. رحم‌دل، منصور. تناسب جرم و مجازات. تهران: سمت، ۱۳۸۹.
۱۲. روح‌الامینی، محمود. «دگرگونی‌های مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی در نظام حقوقی فرانسه»، مجله فقه و حقوق ۱۶ (۱۳۸۷): ۱۲۹-۱۵۶.
۱۳. زراعت، عباس. حقوق جزای عمومی ۳. ج دوم. تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۹۲.
۱۴. صفاری، علی. توجیه یا دلیل‌آوری برای مجازات. مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی. تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
۱۵. صلاحی، جاوید. کیفرشناسی. تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
۱۶. فریدمند، لارنس. بازدارندگی. ترجمه عسگر قهرمان پوربناب و روح‌الله طالبی‌آرانی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۶.
۱۷. فرج‌اللهی، رضا. جرم‌شناسی و مسؤولیت کیفری. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۹.

۱۸. فرج‌اللهی، رضا. مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق فرانسه. تهران: نشر حقوقی میزان، ۱۳۸۸.
۱۹. گاستون، استفانی، ژرژ لواسور و برنار بولوک، حقوق جزای عمومی، جلد اول، ترجمه حسن دادبان، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷، ۵۰۶.
۲۰. لازرژ، کریستین. درآمدی بر سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۲۱. محمدی، حمید. ضبط، مصادره، استرداد و اخذ اموال حاصل از جرم. تهران: کتابخانه گنج‌دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۲. موسی‌زاده، رضا. حقوق اداری (۱-۲). تهران: نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹.
۲۳. مصدق، محمد. «شرح و تفسیر مواد مرتبط با مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاربردی». ماهنامه دادرسی ۹۸ (۱۳۹۲): ۳-۱۵.
۲۴. والایی، عیسی. جرایم و مجازات‌ها در اسلام. تهران: مجد، ۱۳۹۱.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. «کیفرشناسی نو - جرم‌شناسی نو، درآمدی بر سیاست جنایی مدیریتی خطرمدار». تازه‌های علوم جنایی ۱ (۱۳۸۸): ۷۱۷-۷۵۰.
۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی. دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه گنج‌دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۲۷. نوروزی فیروز، رحمت‌الله. مجازات. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۲۸. یزدان جعفری، جعفر. چرایی و چگونگی مجازات. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.

منابع انگلیسی

1. Wells, Celia, *Corporate Criminal Liability in England and Wells in: Corporate Criminal Liability*, Edit by Pieth Mark and Ivory, Radha. Springer, 2011.
2. Clough, Jonathan. "The Prosecution of Corporations." PhD diss., Monash univtrcity, 2004.
3. Deckret, Kartin, *Corporate Criminal Liability in Freance in: Corporate Criminal Liability*, Edit by Pieth Mark and Ivory Radha, Springer, 2011.
4. Evans, Jessica. "Corporate Criminal Liability for Manslaughter, the Need for Reform to combat workplace Death and Serious Injury." PhD diss., Murdoch university, 2002.
5. Nanda, Ved p. *Corporate Criminal Liability in the United State: Is a New Approach warranted? In: Corporate Criminal Liability*, Edit by Pieth Mark and Ivory, Radha. Springer, 2011.
6. Matthew, Richard. *Blackstone, s, Guide to the Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007*. 1st end, London, oxford university

- press, 2008.
7. Robinson, Arthur. A; *Corporate Culture as Basis, for the Criminal Liability of Corporation: for United Nation Special Representative of the Secretary-General on Human Rights and Business*, 2008.
 8. Reilly, David J. *Murder, Inc: The Criminal Liability of Corporations For Homicide: Ston Hall Law Review*, 18, 1988.
 9. Wells, Celia. *Coiporations and Criminal Responsibility*. 2nd edn.Oxford, 2001.
 10. Google."Corporate Manslaughter and Corporate Homicide Act 2007." Accessed Jun 7, 2013.
 11. www.legislation.gov.uk/ukpga/2007/19/content
 12. Google "Crime (Industrial Manslaughter) Amendment Act 2003" Accessed Jun 7, 2013.
 13. www.legislation.act.gov.au/a/2003-55/20040301-10529/pdf/2003-55.pdf

Assessment of Criminal Sanctions against Legal Persons; (the analysis of the Article 20 of the Islamic Penal Code ratified in 2013)

Mohsen Sharifi

(Ph.D Student)

Mohammad Jafar Habibzade (Ph.D)

(Professor, Faculty of Law and Political Science, Tarbiat Modares University)

Mohammad Farajiha

(Assistant Professor of Tarbiat Modares University)

Abstract:

Inadequacy of the civil and disciplinary sanctions to control the riskful activities of the modern powers such as legal entities ultimately made the Iranian legal system to move beyond the sparse and case law, and recognize the criminal liability of those individuals, as a rule in the Islamic Penal Code (Article 143; ratified in 2013). Obviously, the effectiveness of this approach depends on the integrity of the sanctions commensurate with the culpability of legal entities. Therefore, it must be assessed whether or not the designed sanctions- dissolution, confiscation of property, prohibition of occupational or social activities, capital raising, prohibition of issuing some trade documents, fine and publishing sentence (Article 20)- are equivalent to the legal entities nature. Does the diversity of these reactions in a way that they can cope with crime control among these persons? Do the sanctions meet the particular goals of punishment such as deterrence and victim's redress losses? And is there any separation among the sanctions with regard to the legal entities types (public or private being)? According to the present essay, the predicted sanctions are proportionate to the nature of the legal entities, but their diversity is relative. The remedial goals of the punishment and support the victim is more likely to be met than other objectives. Also, despite the separation between legal entities, there is no distinguished separation between the sanctions.

Keywords:

Legal persons, Goals, Penalties, Criminal sanctions variety, Appropriateness of criminal sanctions.

Journal of CRIMINAL LAW AND CRIMINOLOGY

VOL. II, No. 3

2014-1

- **The Principle of Conduct and Its Rules in Criminal Law: with a Comparative Approach to Iran and England law**
Mehrdad Rayejian Asli
- **Iran criminal law mechanisms in enforcement of litigation right for victimized child**
Amirhamzeh Zeinali
- **The Elements of Sin Aiding**
Ghassem Mohammadi - Ehsan Abbaszadeh
- **Similarities and Differences between Interpretation in Substantive and Procedural Law**
Ali Shojaei
- **Assessment of Criminal Sanctions against Legal Persons**
Mohsen Sharifi - Mohammad Jafar Habibzadeh - Mohammad Farajiha
- **Political Crime and Had-Tazir Demarcation**
Rahim Nobahar



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study